

# بلندنگری (لانگ ویو)

فصلنامه



ISSN ۲۶۳۲-۳۱۶۸

دوره ۵ - شماره ۳ - خرداد ۱۴۰۲ / ژوئن ۲۰۲۳

امنیت،  
اتحاد و امید:  
آینده جدید  
اکنون می‌تواند  
محقق شود

آرزو مرالی

بازگشت به آینده: مروری بر  
نظرات اسلام، رهایی و برابری  
زنان

امام محمد قسیم

بخش اصلی ایمان:  
بنیان وحدت اسلامی

رمزی بارود و رومانارویئو

تشکیلات خودگردان فلسطین:  
انتخاب غیرممکن تشکیلات در  
عصر لانه‌ی شیرها

فیصل بودی

در جستجوی خوشبختی:  
راه‌های جدید برای رفع بحران  
مسکن مسلمانان



مقابله با بحران مسکن فی نفسه و ویژگی های بحرانی که مسلمانان و دیگر گروهها با آن روبرو هستند کار کردهاند، واضح است که در جایی که جامعه و افراد متمهد درون آن اراده داشته باشند، راهی وجود دارد. همانطور که بودی استدلال می کند، دسترسی به مسکن مناسب بخشی از یک حق اساسی برای ایمنی و امنیت و بخشی از درک اسلامی از سعادت مندی است. موانعی که فلسطینیان را از برخورداری از این حقوق و سایر حقوق اولیه باز می دارد، موضوع مقاله **رمزی بارود و رومانو روبنو** است. آنها به طور خاص، مسیر تشکیلات خودگردان فلسطین را تحلیل می کنند، زیرا جایگاه آن به عنوان چیزی غیر از مجری آبار تانید [رژیم اشغالگر] اسرائیل در میان مردم کرانه باختری کاهش می یابد. تکثیر گروه های مقاومت جدید، از جمله لانه شیر، تشکیلات خودگردان را مجبور می کند تا گفتمان عمومی خود را به گفتمان مقاومت و سرپیچی تغییر دهد. این گفتمان با نقش تشکیلات خودگردان در اجرای مؤثر اشغالگری اسرائیل و همچنین به عنوان یک نهاد فاسد و سوءاستفاده گر که به دلیل نقض حقوق فلسطینیان مورد انتقاد قرار می گیرد، مغایرت دارد. بارود و روبنو ظهور یک مقاومت فلسطینی را ترسیم می کنند که مردم را در میان جناح های سنتی - سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی - متحد می کند و موقعیت تشکیلات خودگردان را به طور فزاینده ای وخیم تر می کند. به نظر می رسد که سیاست فلسطین در حال رهایی از قید و بندهای [رژیم اشغالگر] اسرائیل و نهادها و سازمان های غیردولتی فلسطینی است که در پی توافقات اسلو در دهه ۱۹۹۰ ایجاد شدند و نقش آنها (به دلایل مختلف) عادی سازی و نهادینه سازی اشغال بوده است. مقاله **امام احمد قسیم** گزیده ای از کتاب جستجوی وحدت وامست. او در آن از آیات و روایات قرآنی برای تأکید بر لزوم وحدت بین مسلمانان استفاده می کند. با نزدیک شدن به موسم حج، سخنان او برای امت اسلامی تأمل برانگیز است. همانطور که مقالات این شماره نشان می دهد، جایی که وحدت دامن زده می شود، به سرعت تغییر ایجاد می شود. آخرین مقاله این شماره از **آرزو موالی**، بازتابی از سفر او به عنوان یک نویسنده و فعال برای حقوق زنان است. مرالی مشاهده می کند از زمانی که در این زمینه شروع به فعالیت کرده است، گفتمان حقوق زنان و اسلام به گونه ای که در خدمت فرهنگ مسلط و ظالمانه زن ستیزی نباشد، دچار رکود شده است. او استدلال می کند که مسلمانان به طور کلی و زنان مسلمان به طور خاص باید شیوه های را که مسائل واقعی عدالت و برابری در کلیشه های جنسیتی گنجانده شده است، به چالش بکشند. هیچ راه حل عادلانه ای برای مشکلاتی که جهان ما با آن روبرو است وجود ندارد، مگر آنکه درک کنیم که نهادها، زبان ها و هنجارهای روزمره حتی زمانی که ادعا می کنند راه حل مشکلات ما هستند، گاهی اوقات همان اموری هستند که ما را عقب می اندازند. اینها گفتگوها و اقدامات ضروری است که بدان نیاز داریم. بیایید بر اموری جدید تمرکز کنیم.

آشفته گی دوره کنونی - از بحران هزینه های زندگی گرفته تا کشتار بی پایان و خشونت علیه فلسطینی ها (اخیراً شلیک به و قتل محمد تیممی دو ساله) توسط نیروهای [رژیم اشغالگر] اسرائیل - می تواند احساس ناامیدی برای فرد ایجاد کند. دورنمای تغییر، نه به دلیل فقدان نوآوری، بلکه به علت فقدان اراده توسط کسانی که (تا حدودی) قدرت دارند، مطلوب به نظر نمی آید. این شماره به این موضوع می پردازد - هم دلسردی و هم تغییرات در بخت، همانطور که افراد در دل جامعه سازماندهی می کنند. چنین سازمان هایی در حال مقابله با ساختارهای اقتصادی هستند که برای دور نگه داشتن مردم از مالکیت بر املاک در کشورهایمانند بریتانیا توطئه می کنند. این سازمان ها در برابر ظلم هایی مقاومت می کنند که نه تنها توسط رژیم هایی مانند رژیم [اشغالگر] اسرائیل، بلکه مخدومانشان مانند تشکیلات خودگردان فلسطین اقامه می شود. این سازماندهی شامل غلبه بر ذهنیت تفرقه بینداز و حکومت کن است که توسط نسل هایی از افراد سابقاً استعمارزده درونی شده است. این امر مستلزم اعتماد به ایمان و اعتقاد به این است که راه های مختلف حکمرانی و حقوقی را می توان تصور و اجرا کرد. در مقاله ای اندیشه ورزانه ای این شماره، **فیصل بودی** به کمبود گزینه های مسکن حلال در بریتانیا و به تبع آن سایر کشورهای غربی می پردازد. این مقاله تحلیلی از معضلات اخلاقی ایجاد شده توسط وام های مسکن متعارف به عنوان مسیری برای مالکیت مسکن (به ویژه برای مسلمانان)، تاریخچه راه حل ها و تأثیر بازار مسکن از نوسان قیمت ها و اقتصادی ارائه می دهد که نه تنها در اقشار طبقه پایین، بلکه در سطح طبقه متوسط نیز فشار تحمیل می کند. تحقیقات بودی نشان می دهد که نه تنها خانواده ها و افراد قادر به تأمین بازار مسکن نیستند - چیزی که به طور نامتناهی بر مسلمانان طبقه کارگر و اقلیت های نژادی تأثیر بیشتری می گذارد - بلکه با کاستی املاک با اجاره مناسب نیز مواجه هستند. ازدحام بیش از حد در بخش خصوصی یا موجودی مسکن اجتماعی که همیشه در حال کاهش و کمیابی است و همچنین قیمت های اجاره، باعث ایجاد یک بحران خاموش اما عمیق در مسلمانان و بسیاری از جوامع رنگین پوست شده است. موج اول راه حل های مالی ظاهراً اسلامی، با هدف مبارزه مسلمانان با اصول دریافت وام متعارف، کمک چندانی نکرده است و در برخی موارد برای وام گیرندگان خطرناک تر و سنگین تر بوده است. علیرغم این وضعیت، راه های جدیدی برای مدیریت اصولی وام گرفتن برای مالکیت مسکن، یا رعایت منع اکید اسلام در مورد ربا، به وجود آمده است. این مسیرها نتیجه ای تقاضاها و ابتکارات جامعه محور است که با مشکلات بدهی بلندمدت و توزیع نابرابر ریسک - که هر دو از مضرات اصلی الگوهای قبلی هستند - سروکار دارند. با این حال، این روش ها به تنهایی نمی توانند مشکل را حل کنند. در حالی که ساختارهای دولتی به طور مداوم علیه

## فهرست مطالب

### ۲ فصل بودی

در جستجوی خوشبختی: راه های جدید برای رفع بحران مسکن مسلمانان

### ۷ رمزی بارود و رومانو روبنو

تشکیلات خودگردان فلسطین: انتخاب غیرممکن تشکیلات در عصر لانه های شیرها

### ۸ امام احمد قسیم

بخش اصلی ایمان: بنیان وحدت اسلامی

### ۱۱ آرزو موالی

بازگشت به آینده: مروری بر نظرات اسلام، رهایی و برابری زنان

The Long View  
Quarterly Magazine



سردبیران:

فیصل بودی و آرزو میرالی

بلند نگری (لانگ ویو) یک پروژه و از انتشارات موسسه اسلامی حقوق بشر لندن است (شرکت با مسئولیت محدود به شماره ۰۴۷۱۶۶۹۰)

وب سایت [www.ihrc.org.uk](http://www.ihrc.org.uk)

ایمیل [info@ihrc.org](mailto:info@ihrc.org)

تلفن ۰۴۴ ۲۰ ۸۹۰۴ ۲۲۲

دیدگاه نویسندگان، الزاماً دیدگاه یا اعتقادات موسسه اسلامی حقوق بشر را بازتاب نمی دهد.

تصویر روی جلد: دری در کرانه غربی رود اردن (C) سارا راسل. قابل خرید نسخه محدود در کتابفروشی موسسه اسلامی حقوق بشر.

با ایمیل به نشانی [info@ihrc.org](mailto:info@ihrc.org)، حساب توییتری ما [@ihrc](https://twitter.com/ihrc) یا با یافتن ما در فیسبوک به گفتگوی ما بپیوندید. حتی می توانید نامه ای به سبک قدیمی به موسسه اسلامی حقوق بشر لندن (Wembley, HA9, 598 IHRC, PO Box 7XH, UK) برای ما ارسال کنید. یا برای حضور در یکی از رویدادهای ما به آدرس (Preston Road, 202) در نمایشگاه کتاب موسسه اسلامی حقوق بشر مراجعه کنید (وقتی بحران ویروس کرونا فروکش کرد). ما همچنین رویدادها را به صورت برخط هم قرار می دهیم، بنابراین [www.ihrc.tv](http://www.ihrc.tv) همراهمگ شوید و در آدرس [www.ihrc.org.uk/events](http://www.ihrc.org.uk/events) می توانید ببینید چه رویدادهایی را در برنامه های آینده داریم.

# در جستجوی خوشبختی: راه‌های جدید برای رفع بحران مسکن مسلمانان

بحران مسکن در بریتانیا بیش از همه بر اقلیت‌های نژادی تأثیر مخرب گذاشته است. راجع به مسلمانان بخش خصوصی برای ارائه راه‌حل‌های واقعی راجع به مشکلات ارائه شده توسط اقتصاد مبتنی بر منافع تلاش کرده است، در حالی که نژادپرستی ساختاری همچنان بر دسترسی به بخش عمومی اثرگذار است. **فیصل بودی** وضعیت مسکن مسلمانان را مورد بررسی قرار داده و راه‌های ممکن برای پیشرفت را مطرح می‌کند.

و این خبر که بالاخره قیمت مسکن در حال کاهش است، معمولاً با آسودگی بخشی به کسانی منجر می‌شود که امیدوارند وارد بازار مسکن شوند. پس از دو دهه افزایش شدید قیمت ملک، که تنها به دلیل بحران بانکی بین‌المللی سال ۲۰۰۸ مهار شد، قطار از کنترل خارج شده‌ی بازار مسکن بریتانیا علائمی از معکوس شدن قیمت‌ها را بروز می‌دهد. اگر برابری برقرار باشد، این وضعیت جدید بایستی دوره‌ای از استطاعت را برای کسانی که در حال حاضر ناتوان از خرید شده‌اند آغاز کند. با این حال، تورم بالا در سپهر کلی اقتصاد و افزایش همزمان نرخ بهره به این معنی است که مالکیت مسکن برای اکثر خریداران احتمالی، به‌ویژه خریدارانی که برای اولین بار اقدام به خرید می‌کنند، دور از دسترس باقی می‌ماند.

برای مسلمانان، به‌ویژه کسانی که به حرام اسلامی در روش‌های مالی مبتنی بر ربا پایبند هستند، مفهوم حسن تعبیر «بحران هزینه زندگی» که به لحاظ سیاسی ایجاد شده است، ضربه‌ای به مراتب بزرگ‌تر است، زیرا هزینه‌های زندگی و اجاره بهای بیشتر، زندگی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد و به توانایی آنها در پس‌انداز کردن و مسکن خریدن ضربه می‌زند. سطح بحران استطاعت بی‌سابقه است. در حال حاضر یک مسکن متوسط در بریتانیا حدود ۹ برابر میانگین درآمد سالانه هزینه دارد. آخرین باری که قیمت

مسکن نسبت به درآمد متوسط تا این حد گران بوده است، سال ۱۸۷۶، یعنی نزدیک به ۱۵۰ سال پیش بود. تفاوت قیمت منطقه‌ای در لندن وجود دارد، چرا که می‌توان انتظار داشت که گران‌ترین مسکن (۱۲ برابر درآمد سالیانه) باشد که با حرکت به سمت شمال شهر، این رقم کاهش می‌یابد. در دهه ۱۹۹۰ این نسبت کمی بالاتر از ۳ برابر درآمد سالیانه بود. میانگین قیمت مسکن در حال حاضر ۲۶۰ هزار پوند است. در سال ۱۹۹۰ این رقم کمتر از ۵۸ هزار پوند بود.

چه چیزی ما را به این نقطه رسانده است؟ مقصر اصلی، عامل اقتصادی نیست بلکه سیاسی است. طی ۲۰ سال گذشته، دولت‌های متوالی از تمام گرایش‌های اصلی سیاسی، نرخ‌های بهره را در سطوحی که قبلاً در تاریخ بریتانیا دیده نشده بود، با هدف ایجاد آگاهی کاذب ثروت در میان مردم عادی در قالب سهام مسکن به منظور برخورداری از حمایت سیاسی حفظ کرده‌اند. در دسترس بودن پول ارزان به حباب دارایی در مسکن دامن زده است، زیرا مردم عادی به دنبال وام‌های ارزان و راه آسان برای صاحبخانه شدن از درآمد اضافی فعلی خود و مبلغ بازنشستگی‌شان هستند. و به دلیل تقاضای اضافی که این امر در بخش مسکن تحریک کرده است، قیمت املاک برای بسیاری چندان بالا است که تأمین آن خارج از دسترس شده است.

تا دهه ۱۹۹۰، انتخاب مسلمانان در بخش خصوصی بین اجاره و خرید بود، در حالی که بخش مسکن اجتماعی برای افراد کم‌برخوردار نیز قابل دسترسی بود. اجاره، همانطور که بعداً نشان خواهیم داد، هرگز گزینه جذابی برای مسلمانان در بریتانیا نبوده است. این باعث شد وام‌های مسکن مبتنی بر ربای متعارف به عنوان تنها جایگزین موجود باقی بماند. برای رفع این مشکل، برخی از علمای مسلمان در غرب عقیده داشتند که منع شرعی بر ربا - یکی از هفت گناه کبیره در اسلام - می‌تواند برای افرادی که می‌خواهند مسکنی را بر اساس قانون خریداری کنند، با رعایت شرایط خاص، ساقط شود: اصل فقهی «حاجت» یا «نیاز عمومی». فتوایی صادر شده در سال ۱۹۹۹ توسط شورای فتوا و تحقیقات اروپا نشان دهنده این معافیت است. «این موضوع بایستی به گروهی از افراد محدود شود که واقعا به مسکن نیاز دارند. با این حال، فتوای دریافت وام مسکن برای خرید مسکن به دلایل تجاری یا برای اهدافی غیر از خرید مسکن شخصی برای کسانی که مسکن ندارند را پوشش نمی‌دهد. این یک راه نجات برای مسلمانانی بود که در غیر این صورت خود را در گیر و دار اجاره بها می‌دیدند و عملاً وام‌های مسکن دیگران را پرداخت می‌کردند. این مجوز لزوماً محدود بود و مبادلات تجاری را پوشش نمی‌داد و مسلمانان مایل به وام گرفتن برای مقاصد سرمایه‌گذاری

در دنیای بانکداری سنتی را آرزو به دل باقی گذاشت.

طبیعت از خلاء متنفر است، بنابراین طولی نکشید که جایگزین‌هایی برای مسلمانان بریتانیا ایجاد شد. بخش به اصطلاح وام مسکن حلال در دهه ۱۹۹۰ با سر و صدای زیادی به صحنه آمد. این طرح‌های خرید مسکن مطابق با شرع اسلام، وعده‌ی پر کردن خلأ و عدم نیاز به اتکاء به وام‌های بانکی ناخوشایند را می‌داد. بسیاری از آنها توسط بانک‌های اسلامی یا خاورمیانه‌ای ارائه شده بودند، اما به زودی بانک‌های بزرگ مانند ایچ.اس.بی.سی و ال.لویدز از فرصت استفاده کردند و وارد بازار شدند. با این حال، جذابیت آنها کوتاه مدت بوده است. این نوع وام‌ها اغلب بسیار گرانتر از همتایان ربوی خود، همچنین به دلیل ناتوانی در بازپرداخت بلندمدت که استقراض ایجاد می‌کند و به خاطر انباشت بیشتر، و بخش اعظم ریسک معاملات، اگر نگوئیم تمامی ریسک آن بر دوش خریدار، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، اگرچه ممکن است ساختار آنها به گونه‌ای باشد که الزامات شرعی را برآورده کند و در نتیجه از شرع پیروی کند، تأثیرات این نوع وام کاملاً با روح یا اهداف آن مطابقت ندارد. این شاید نشانه‌ای از کاهش محبوبیت «وام مسکن حلال» در بین مشتریان و دلیلی باشد که چرا بزرگ‌ترین بانک‌ها مانند ال.ریان و همچنین ایچ.اس.بی.سی و ال.لویدز و دیگران این وام‌ها را ارائه نمی‌دهند.

وام‌های نسل بعد که جایگزین وام مسکن حلال شده‌اند به دنبال رفع برخی از کاستی‌های اسلاف خود، به ویژه مشکلات بدهی طولانی مدت و توزیع نابرابر ریسک هستند. این وام‌ها به خریداران بالقوه مسکن اجازه می‌دهند تا در بازار آزاد با تغییراتی در مدل مالکیت مشترک خرید کنند. این فرآیند شامل خرید بخشی از سهام توسط مشتری و اجاره باقی مانده آن با امکان افزایش بخشی از سهام در طول زمان، در صورت تمایل است. به طور کلی، این ابزارها برای خریدار مسکن بسیار منصفانه‌تر به نظر می‌رسند، ریسک بسیار کمتری دارد و انعطاف‌پذیری بیشتری را ارائه می‌دهد. یکی از جذابیت‌های اصلی این است که از آنجایی که این وام‌ها از اجاره بخشی از ملک خود به مشتری سود می‌برند، نیاز به پیش‌پرداخت پنج درصدی دارند

که در دسترس‌تر از وام‌های نسل اول است. هالی هاوسینگ، استراید آپ، گیت هاوس و وی هوم همگی به طور گسترده در امتداد یکدیگر عمل می‌کنند. گفتن اینکه آیا این نوع مشارکت‌ها استمرار خواهند داشت یا نه، دشوار است زیرا اکثر آنها هنوز در مراحل ابتدایی خود هستند و بدیهی است که سرمایه‌گذاری هر شرکت به سرمایه‌گذاران خرید ملک محدود می‌شود. بیشتر آنها نیز در دوره‌ای با نرخ بهره بسیار پایین تصور می‌شدند که به اجاره بهای نسبتاً پایین نیز می‌انجامید. با توجه به اینکه اکنون نرخ بهره تقریباً سه برابر شده است، قیمت اجاره نیز افزایش یافته است. و از آنجایی که این شرکت‌ها اجاره‌های خود را مطابق با نرخ بهره در بازار تعیین می‌کنند، این وضعیت لزوماً بر استطاعت مالی خریداران که حالا اجاره بالاتری پرداخت می‌کنند تأثیر می‌گذارد.

**برای مسلمانان، به‌ویژه کسانی که به حرام اسلامی در روش‌های مالی مبتنی بر با پایبند هستند، مفهوم «بحران هزینه زندگی» که به لحاظ سیاسی ایجاد شده است، ضربه‌ای به مراتب بزرگ‌تر است، زیرا هزینه‌های زندگی و اجاره بهای بیشتر، زندگی آنها را تحت فشار قرار می‌دهد و به توانایی آنها در پس‌انداز کردن و مسکن خریدن ضربه می‌زند**

علاوه بر این، این نوع مشارکت اگرچه ممکن است مشکل ربا را حل کند، اما اغلب گران‌تر از روش رهن مبتنی بر بهره است و بنابراین نمی‌تواند هدف شرعی گسترده‌تر، یعنی منع بهره‌کشی از اقشار آسیب‌پذیر را کاهش دهند که هدف شرعی منع ربا است.

بر اساس تحقیقی که سال گذشته توسط سرشماری مسلمانان منتشر شد، فشارهای ناشی از این اقدامات ناموافق اقتصادی در حال انجام است. این سرشماری نشان داد که ۷۰ درصد از مسلمانان دارای وام مسکن به اصطلاح اسلامی، افزایش اقساط ماهانه را در ۱۲

ماه گذشته گزارش کرده‌اند در حالی که تنها ۵۱ درصد از مسلمانان وام مسکن استاندارد دریافت کرده‌اند. همچنین مشخص شد که از آگوست ۲۰۲۱، مسلمانانی که وام مسکن مطابق با شرع داشتند، دوباره به طور نامتناسبی تحت تأثیر افزایش نرخ بهره قرار گرفته‌اند و در برابر نرخ ۳۳ درصدی مسلمانان با وام مسکن متعارف، ۶۵ درصد گزارش داده‌اند که در پرداخت‌های خود تأخیر داشته‌اند. وخیم‌تر اینکه، گروه گرفتار در تأخیر پرداخت اقساط گزارش داده‌اند که همواره با نرخ پنج برابر بیشتر (۱۵ درصد در برابر ۳ درصد) از کسانی که وام مسکن استاندارد داشته‌اند دچار تأخیر در بازپرداخت اقساط هستند.

با واگذاری به «بازار آزاد»، اگر بتوان آن را به اشتباه چنین چیزی نامید، زیرا بخش خصوصی از یارانه‌های دولتی و سایر سیاست‌های مساعد سود بسیاری حاصل کرده است (با کنار گذاشتن این واقعیت که کل اقتصاد جهانی از نظر سیاسی مدیریت می‌شود)، بازار مسکن به حافظ منافع یک اقلیت ثروتمند تبدیل شده است. شهردار لندن، صادق خان، در ماه می توییت کرد که میانگین قیمت آپارتمان در لندن اکنون ۸۵۰ هزار پوند و متوسط اجاره ماهانه خصوصی ۲۵۰۰ پوند است. سیستم مسکن در بریتانیا نابسامان است و بخش خصوصی، از جمله راه‌حل‌های «مالی حلال»، که سیاستمداران ما به آنها توجه دارند، قادر به رفع این نابسامانی نیست.

از آنجایی که راه حل وام حلال و دیگر تمهیدات بخش خصوصی به طور فزاینده‌ای مقرون به صرفه نیست، این وضعیت مسلمانان را برای تأمین نیازهای اسکان خود به بخش مسکن اجتماعی وابسته می‌کند. اما این امر نیز بدون موانع نیست. از سال ۱۹۸۰، زمانی که مارگارت تاچر، نخست‌وزیر محافظه‌کار وقت، طرح «حق خرید» را معرفی کرد که به مستأجران خانه‌های اجتماعی اجازه می‌داد تا خانه‌های خود را با تخفیف‌های هنگفت نسبت به ارزش بازار خریداری کنند، تعداد خانه‌های شهرداری در دسترس به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. حدود ۲.۵ میلیون به صورت حق خرید واگذار شده و ۲.۲ میلیون باقی مانده و تقریباً دو میلیون دیگر در اختیار انجمن‌های مسکن قرار گرفته است. حق خرید،

عملاً سیاست محافظه کاران برای جلب رأی دهندگان حزب کارگر از طریق فروختن رویای طبقه متوسط به آنها، به تنهایی مسئول کسری عظیم مسکن اجتماعی است که امروز شاهد آن هستیم و در نتیجه‌ی کمبودهای عظیمی در تمام نقاط کشور، لیست‌های انتظار چند ساله و انبوهی از افراد ناامید، متکی به بازار آزاد و وابسته به رحمت مالکان خصوصی که اغلب شخصیتی متخلف دارند باقی مانده‌اند.

مسکن امن و مقرون به صرفه، پایه‌ای برای رفاه اجتماعی-اقتصادی، سلامت روانی و عاطفی و زندگی شخصی و خانوادگی شاد است. ثباتی که مالکیت مسکن ایجاد می‌کند، پایه‌ای برای موفقیت در سایر زمینه‌های وجودی ما است. در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «مَنْ سَعَادَةَ الْمَرْءِ أَنْ يَسْعَ مَوْلَاهُ؛» «از سعادت آدمی است که خانه‌اش وسیع باشد.» ازدحام بیش از حد، فلاکت، عدم استطاعت، مناطق نژادپرستانه، محله‌های محروم اقتصادی و جرم خیز برای فرد و جامعه ویرانگر و مخرب است. با این حال مسلمانان در بریتانیا بیشتر با چنین شرایطی روبرو هستند. به گفته هیث و لی، خانوارهای مسلمان به طور قابل توجهی بیشتر از سایر گروه‌های دینی در شرایط فقر قرار دارند. مسلمانان بیش از سایر گروه‌ها در مسکن اجتماعی و مسکن‌های اجاره‌ای خصوصی زندگی می‌کنند و کمتر مالک مسکن هستند. رالی و هولمز در سال ۲۰۲۱ دریافتند که میزان ازدحام بیش از حد خانوارها در بریتانیا در خانوارهای بنگلادشی، پاکستانی، سیاه‌پوستان آفریقایی و عرب بالاترین میزان است.

در ماه می امسال، تحقیقات ویژه توسط ایندپندنت نشان داد که بیش از ۸۰ درصد از مستاجران سیاه پوست و آسیایی در ۱۲ ماه گذشته مجبور به زندگی در شرایط نامناسب بوده‌اند، در حالی که کمتر از سه نفر از هر پنج نفر سفیدپوست چنین وضعیتی داشته‌اند. «آشکارتر، تفاوت در برخورد با صاحبان املاک است. در حالی که ۱۸ درصد از مستاجران سفیدپوست ابراز کرده‌اند که در سال گذشته اعمال غیرقانونی مالکان را تجربه کرده‌اند، برای مستاجران غیرسفیدپوست این رقم ۳۳ درصد است. آنها همچنین خواه از مسائلی در مسکن خود شکایت کرده باشند یا نه، در سه سال گذشته

بیشتر در معرض تهدید به اخراج قرار گرفته‌اند.»

آنچه این آمار نشان می‌دهد این است که بر اساس مشخصات اجتماعی-اقتصادی، جمعیت مسلمان بریتانیا بیش از سایر گروه‌های قومی و دینی مستعد واجد شرایط بودن برای مسکن اجتماعی هستند. با این حال، تجربه شخصی این نویسنده در شهر زادگاهش پرستن نشان می‌دهد که در واقعیت، نیازهای خاص جامعه عمدا نادیده گرفته می‌شود و باعث می‌شود که آن جامعه نتواند به این گزینه بسیار واقعی دسترسی پیدا کند. دو نوع اصلی تصدی مسکن اجتماعی وجود دارد: اجاره‌ای و مالکیت مشترک. اجاره‌کنندگان عموماً می‌توانند انتظار داشته باشند که با امنیت سود افزوده بلندمدت، بسیار کمتر از نرخ بازار پرداخت کنند.

مالکیت مشاع شامل خرید بخشی از دارایی ملک و پرداخت اجاره بها با تخفیف در قسمتی است که در اختیار مالک باقی می‌ماند، با این حق که در طول زمان با افزایش پلکانی اقساط و خرید سهم بیشتری از ملک و در برخی موارد به ۱۰۰ درصد صاحب مسکن شوند.

**از دحام بیش از حد، فلاکت، عدم استطاعت، مناطق نژادپرستانه، محله‌های محروم اقتصادی و جرم خیز برای فرد و جامعه ویرانگر و مخرب است، با این حال مسلمانان در بریتانیا بیشتر با چنین شرایطی روبرو هستند**

این گزینه‌های جذاب برای افرادی است که می‌خواهند برای خرید مسکن پس‌انداز کنند، زیرا پرداخت‌های اجاره نسبتاً پایین به آنها امکان می‌دهد بیشتر درآمد خود را برای خرید سهام پس‌انداز کنند و همچنین امنیت ناشی از اجاره را از یک صاحبخانه اجتماعی دریافت می‌کنند. خرید سهام معمولاً با پس‌انداز شخصی، وام‌های خانوادگی یا وام مسکن پرداخت می‌شود، اما از آنجایی که سرمایه معمولاً کوچک است، بدیهی است که هر وام مسکنی مقرون به صرفه‌تر است که مستلزم پرداخت بهره کمتر است. این

گزینه‌ها افراد در سطح پایین‌تر مقیاس اجتماعی-اقتصادی را هدف قرار می‌دهند. حداقل به لحاظ نظری، این نوع تسهیلات برای مسلمانانی که می‌خواهند از وام‌های مبتنی بر بهره و اجاره خصوصی اجتناب کنند، یک جایگزین واقعی اما کمتر قابل حصول قرار می‌دهند.

پرستن شهری کوچک با ۱۴۸ هزار نفر جمعیت در شمال غربی انگلستان است. اکثر اقلیت‌های قومی آن حضور خود در شهر را مدیون مهاجرت پس از جنگ جهانی دوم از شبهه قاره هند با بخش کوچک‌تر از کارائیب هستند. آنها ستون فقرات نیروی کار را تشکیل می‌دهند که کارخانه‌های پنبه را اداره می‌کردند که تا زمانی که در دهه ۱۹۷۰ کاهش یافت، کارفرمای اصلی در منطقه بودند. به طور کلی، نوادگان آنها در حلقه‌ای در اطراف مرکز شهر زندگی می‌کنند، یک دایره جغرافیایی که با افزایش جمعیت در حال گسترش است. حدود ۱۹ درصد از جمعیت شهر در خانه‌های اجاره‌ای اجتماعی زندگی می‌کنند. با این حال، شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد جمعیت آسیایی (مجبورم از این نام استفاده کنم، زیرا تنها دسته‌های «قومی» توسط ارائه‌دهندگان مسکن اجتماعی به کار می‌روند، با این حال، به طور کلی بازنمایی کننده مسلمانان است زیرا اکثر مسلمانان پرستن اهل جنوب یا پیشینه‌ی آسیایی هستند و اکثریت قریب به اتفاق مردم جنوب آسیا مسلمان هستند) در معرض رفتار نامناسب هستند.

بیست و سه سال پیش، انجمن مسکن آسیانان، که در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ در شمال غربی انگلستان فعالیت می‌کرد، یک بررسی کاملاً گسترده از نیازهای مسکن آسیایی در پرستن انجام داد. این مطالعه به نگرش جامعه سیاه پوست و اقلیت شهر (پرستن تنها در سال ۲۰۰۲ وضعیت شهر را بررسی کرد) نسبت به مالکیت مشترک و تقاضای بالقوه برای چنین طرح‌هایی را بررسی کرد. فرض بر این است که نیاز به آن حداقل از درک این موضوع ناشی می‌شود که مقامات به اندازه کافی برای این بخش از جامعه اقدام نمی‌کنند. بین فوریه ۱۹۹۹ و ژانویه ۲۰۰۰ مصاحبه‌گران آموزش دیده، که قادر به برقراری ارتباط به زبان‌های گجراتی، اردو و پنجابی بودند، با ۱۳۵ خانواده مصاحبه کردند. شگفت‌انگیزترین یافته این نظرسنجی این بود که ازدحام بیش از حد در خانواده‌های



دارد (که عمدتاً ناشی از حق خرید است) و تا زمانی که این مشکل برطرف نشود، مشکل کمبود عرضه همچنان انتخاب را محدود می‌کند. در سطح ملی، حدود ۱,۲ میلیون خانوار در لیست انتظار برای مسکن اجتماعی هستند که بالاترین رقم از سال ۲۰۱۶ است. در پرستن، تقریباً ۱۰۵۰ مسکن اجتماعی/مسکن مقرون به صرفه بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ ساخته شد که به طور متوسط حدوداً ۱۰۰ واحد در سال است. برخی از این بخش‌ها شامل بخش مسکن اجتماعی خصوصی است (که در آن شوراها معمولاً از پیمانکاران می‌خواهند ۲۰ تا ۳۰ درصد از ساخت را به مسکن اجتماعی اختصاص دهند) که معمولاً بسیار گران‌تر از مسکن‌های شورا/اتحادیه مسکن هستند. علاوه بر این، اکثر مسکن‌های اجتماعی در شهر به صورت املاک اجاره‌ای است که مورد پسند آسیایی‌ها نیست.

همچنین به این معنا نیست که مشکلات مسکنی که مسلمانان با آن مواجه هستند همگی ناشی از مسائل خارجی هستند. در جاهایی مانند پرستن، که مناطق آسیایی زمانی به معنای مسکن ارزان‌تر بودند (ناشی از کوچ سفیدپوستان به مناطق دیگر)، ایجاد جوامع مستقر با امکانات رفاهی اکنون به این معنی است که آن‌ها به دنبال قیمت‌های برتر هستند و اغلب روند قیمت‌های محلی/ملی را کاهش می‌دهند. این امر توسط سوداگران مسلمان تشدید شده است که بی‌شرمانه برای تقاضای خرید چندین ملک سرمایه‌گذاری کرده‌اند و از نرخ‌های بهره ارزان بهره می‌برند. آنها این خانه‌ها را برای اجاره گذاشته‌اند و عملاً آسیب‌پذیرترین افراد از نظر اقتصادی را برای پرداخت وام مسکن خود به دام انداخته‌اند. این تقاضا از سوی صاحبخانه‌ها به این معناست که قیمت مسکن در محله‌های مسلمان نشین، نزدیک به مساجد و مدارس، در حال حاضر اغلب بالاتر از مناطق جنگلی است که توصیف خوبی برای اشاره به مناطق حومه شهر است. نتیجه این امر این بوده است که اعضای کم‌بضاعت‌تر جامعه را از بازار مالکیت مسکن محلی دور نگه داشته است. تغییرات در سیاست مسکن اجتماعی در ابعاد ملی ممکن است فرصتی را برای مسلمانان فراهم کند تا به راحتی در مسیر مالکیت مسکن پیشرفت کنند. در ۱۷ اکتبر ۲۰۱۹، دولت حق جدیدی برای مالکیت مشترک اعلام کرد که حداقل سهام مورد

در پرستن وجود داشت که دارای چهار اتاق خواب یا بیشتر بودند. تنها ۱۶ مورد از این تعداد پنج اتاق خواب یا بیشتر داشتند. این موارد کمتر از دو درصد از کل موجودی مسکن اجتماعی در شهر را تشکیل می‌دهند. آخرین توسعه مالکیت مشترک عمده در شهر ۲۰ سال پیش افزایش یافت. از آن زمان، اکثریت قریب به اتفاق ساخت و سازهای جدید عمدتاً شامل املاک اجاره‌ای ۲ و ۳ تخته بوده است. پس جای تعجب نیست که لیست اجاره بزرگترین ارائه دهنده مسکن اجتماعی در پرستن، یعنی اتحادیه مسکن دروازه اجتماعی، (مسئول تقریباً نیمی از کل موجودی مسکن اجتماعی شهر)، تعداد نسبتاً کمی از آسیایی‌ها - به اعتراف خود سازمان صرفاً سه درصد - را پوشش می‌دهد؛ با وجود اینکه ۲۰,۲ درصد از کل جمعیت شهر را آسیایی‌ها تشکیل می‌دهند.

اینکه چرا وضعیت تا این حد وخیم‌تر شده است، کسی نمی‌داند، اما انسان را به حدس اتهام نژادپرستی ساختاری وامی‌دارد. مطمئناً، مرور هیأت‌های حاکیه ۱۲ اتحادیه اصلی مسکن در پرستن نشان می‌دهد که به ندرت نماینده آسیایی یا مسلمان در آنها وجود دارد. آنها همچنین از نیازهای مسلمانان غافل هستند، به همین دلیل است که من به همراه با شوراها و فعالان محلی نگران، گروهی را برای اعمال فشار برای تغییر تشکیل دادم. ما یک نظرسنجی گسترده و مشترک از نیازهای مسکن مسلمانان در شهر در سال ۲۰۲۲ ترتیب دادیم که به طور کلی همان یافته‌های نظرسنجی آسیانا در سال ۲۰۰۰ را نشان داد. در میان یافته‌های اصلی این نتیجه حاصل شد که تنها ۵,۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در مسکن اجتماعی ساکن بودند اما ۲۰ درصد در بخش اجتماعی فعالیت می‌کردند. ثبت مسکن، یک بار دیگر نشان می‌دهد که نوع مناسب و تصدی خانه‌های کافی برای ساکنان آسیایی ساخته نمی‌شود. مشکل دیگری که شاید برای پرستن خاص نباشد این است که اکثر مسکن‌های اجتماعی جدید برای آسیایی‌ها جذاب نیستند، زیرا در حومه شهر دور از اجتماعات و امکانات موجود مانند عبادتگاه‌ها، مدارس و مغازه‌ها ساخته می‌شوند.

این بدان معنا نیست که مسکن اجتماعی نوشارویی برای مشکلات مسکن جامعه مسلمانان است. کمبود مزمن مسکن اجتماعی/مقرون به صرفه در بریتانیا وجود

آسیایی رایج بود، به طوری که بیش از ۳۰ درصد از خانواده‌های مورد مصاحبه شامل شش ساکن یا بیشتر بودند. همچنین مطالعه دریافت که عدم آگاهی در مورد مالکیت مشترک در بین جامعه آسیایی وجود دارد و این ممکن است بر میزان واقعی تقاضا برای این شکل از تأمین مسکن تأثیر بگذارد. این نظرسنجی نتیجه گرفت که تقاضا برای خانه‌های بزرگتر سه، چهار و پنج خوابه در مناطق خاص وجود دارد.

آسیانا دیگر وجود ندارد، زیرا توسط یک اتحادیه مسکن بزرگ بلعیده شده است. تنها می‌توان حدس زد که چرا این نظرسنجی بر مالکیت مشترک به جای اجاره متمرکز شده است، اما حدس حاصل از بررسی این نویسنده این است که به این دلیل است که آسیایی‌ها به طور کلی نسبت به کل جمعیت شهر از اجاره بیشتر بیزار هستند. این امر توسط آمارهای ملی تأیید می‌شود که نشان می‌دهد علیرغم اینکه جامعه آسیایی در پایین‌ترین مقیاس اقتصادی - اجتماعی دارد، از نظر نسبی بالاترین میزان مالکیت مسکن را در بین هر گروه قومی دارند. دلیل این ترجیح هر چه باشد، مسلمانانی را که معمولاً از درآمد کم، ازدحام بیش از حد، خانواده‌های بزرگ‌تر رنج می‌برند و از ربا بیزارند، کاندیدای اصلی برای مالکیت اشتراکی می‌سازد. با این حال، در پرستن، این جامعه به سختی در تصمیم‌گیری تأمین‌کنندگان اصلی مسکن نقش آفرینی کرده است. وضعیت آنها منعکس کننده تجربه جوامع مسلمان در مناطق دیگر است. در ماه می سال جاری، آبرزور گزارش داد که ده‌ها خانواده سومالیایی در محله تاور هملتز لندن، پس از متهم کردن شورای خود به فساد و نژادپرستی، در حال انجام اقدامات قانونی علیه شورا هستند. این خانواده‌ها که همگی سومالیایی هستند، ادعا می‌کنند که به دلیل نژادشان توسط شورای تاور هملتز به‌طور سیستمی از فهرست انتظار مسکن حذف شده‌اند و برخی در خانه‌های به شدت نامناسب و نایمن قرار گرفته‌اند که به گفته پزشکان خطر بزرگی برای سلامتی آنها است. ... بسیاری از خانواده‌هایی که اقدامات قانونی انجام می‌دهند چندین سال است که در لیست انتظار مسکن بوده‌اند، برخی از آنها بیش از یک دهه منتظر هستند - که بسیار بیشتر از دوره‌هایی است که شورا ادعا می‌کند عادی است.

تا اوت ۲۰۲۱، تنها ۲۳۰ مسکن اجتماعی

نیاز خریداران را از ۲۵ درصد به ۱۰ درصد کاهش می‌دهد و حق خرید سهام بیشتر در طول زمان را دارد. با در نظر گرفتن مثال یک مسکن ۱۵۰ هزار پوندی، خریداران فقط باید ۱۵ هزار پوند در مقابل ۳۷۵۰۰ پوند غیرقابل تأمین هزینه کنند. این امر مسکن‌های دارای مالکیت مشترک را در دسترس خانوارهای کم‌درآمد بیشتری قرار می‌دهد و در بسیاری از موارد نیاز به توسل به وام را از بین می‌برد. مسکن دارای مالکیت مشترک برای خانه‌هایی اعمال می‌شود که توسط برنامه مسکن مقرون‌به‌صرفه ۲۶ - ۲۰۲۱ ارائه می‌شوند، که در ابتدا وعده داده بود ۱۸۰ هزار مسکن جدید را به صورت ۵۰ درصد با تخفیف اجاره و ۵۰ درصد در قالب مسکن مقرون به صرفه با قابلیت افزایش سهم در این دوره تحویل دهد. با این حال، برای مسکن با مالکیت مشترک، مانند بسیاری از وعده‌های دیگر دولت فعلی (پلیس بیشتر، بیمارستان‌های بیشتر...) باید منتظر بمانیم تا ببینیم واقعا چند واحد جدید به سهام مسکن ارزان قیمت کشور اضافه می‌شود. دولت قبلا هدف خود را از ۱۸۰ هزار به ۱۵۷ هزار در مواجهه با تورم ماریج و هزینه‌های ساختمان کاهش داده است و کمیته حساب‌های عمومی مجلس عوام را مجبور کرد تا دسامبر گذشته هشدار دهد که «به نظر نمی‌رسد درک درستی از خطرات پیش رو داشته باشد».

مسلمانان در بریتانیا تلاش و منابع نامتناسبی را صرف توسعه مدل‌های خصوصی «مالی حلال» کرده‌اند تا خرید مسکن را تسهیل کنند. برخی از باهوش‌ترین ذهن‌های جوان ما از سایر حرفه‌ها و در واقع جریان اصلی مالی به این بخش مهاجرت کرده‌اند. تحت رهبری آنها، امور مالی اسلامی به سرعت در حال توسعه است، اما از آنجا که برای سرمایه‌گذاران خود سود می‌طلبند و در یک بازار ورشکسته فعالیت می‌کنند، تنها می‌توانند بخش بسیار کمی از پاسخ‌به‌نیازهای مسکن ما را ارائه دهند. اساسا، از آنجایی که مالیه اسلامی به عنوان یک سیستم فرعی در یک سیستم اقتصادی غربی گسترده‌تر که بر وام مبتنی بر بهره استوار است، کارآمد نیست، نمی‌تواند نابرابری‌های بومی که این سیستم ایجاد می‌کند را رفع کند. تحکیم فضاها «حلال» در محیطی «حرام» صرفا می‌تواند به عنوان یک راه‌حل موقت مورد استفاده قرار گیرد، اما افزایش بالقوه مالیات اسلامی در چهار دهه گذشته باعث

می‌شود «امتیازات قرض الحسنه حلال» به عنوان یک خصیصه بیشتر دائمی مطرح شود.

برای نویسنده واضح است که اگر می‌خواهیم نسل‌های آینده را از خطرات ناامنی مسکن، فقر و ربا در امان نگه داریم، باید انرژی خود را بیشتر بر دسترسی و توسعه بخشی غیرانتفاعی متمرکز کنیم. در وهله اول این امر به معنای تحت فشار قرار دادن تأمین‌کنندگان محلی برای رفع نیازهای مسلمانان است. حاصل تجربه ما در پرستن این است که برابری در مسکن تنها با سازماندهی، لابی‌گری و مبارزات انتخاباتی قابل دستیابی است.

**ما نیاز به ایجاد یک بخش غیرانتفاعی داریم تا مالکیت مسکن را مقرون به صرفه‌تر و غیراستثمار کنیم؛ به نظر نمی‌رسد در حال حاضر هیچ گزینه‌ای برای تأمین مالی بدون ربا برای مسکن توسط مؤسساتی که ادعا می‌کنند «اسلامی» هستند، وجود داشته باشد**

اما فراتر از آن، ما همچنین نیاز به ایجاد یک بخش غیرانتفاعی داریم تا مالکیت مسکن را مقرون به صرفه‌تر و غیراستثمار کنیم. به نظر نمی‌رسد در حال حاضر هیچ گزینه‌ای برای تأمین مالی بدون ربا برای مسکن توسط مؤسساتی که ادعا می‌کنند «اسلامی» هستند، وجود داشته باشد. با این حال، همانطور که جبرئیل لطیف در سال ۲۰۱۵ اشاره کرد (فقط پول و سود: به سوی فراتر از بانکداری اسلامی با چارچوب‌بندی مجدد گفتمان) تأمین مالی بدون ربا در سایر حوزه‌های مبادله برای دهه‌ها وجود داشته است. او با استناد به برتون (۲۰۰۸) بانک اعضای جک، یک موسسه معتبر بدون بهره در سوئد، را مثال می‌زند که به بیش از ۳۸ هزار عضو خود وام مسکن بدون بهره می‌دهد، در حالی که بر اساس اصول زیر عمل می‌کند:

- دریافت سود در یک اقتصاد پایدار مضر است
- سود باعث بروز بیکاری، تورم و تخریب محیط زیست می‌شود
- سود باعث جابه‌جایی پول از بخش

فقیر به بخش ثروتمند می‌شود - سود، پروژه‌هایی را ترجیح می‌دهد که سود بالایی در مدت کوتاه (تفکر کوتاه‌مدت) دارند لطیف می‌گوید: «البته جک سود چندان ندارد. این نهاد صرفا با تعاونی از جمله اقساط سالانه زنده می‌ماند، زیرا تأمین مالی بدون بهره را برای اعضای خود از مجموعه پس‌انداز خود تسهیل می‌کند. اما این دقیقا نکته‌ای است که بدون تعهدات ایدئولوژیک برای دریافت سود، تسهیلات اعتباری می‌توانند به جای انحصار ثروت یا مشاغل بسیار سودآور، مراکز توزیع برای دسترسی جامعه به اعتبارات خود باشند. در تشخیص تفاوت ذاتی در اینجا، جک از اصل «بدون بهره» (با بدون ربا) برای دریافت مبلغی بیشتر از قیمت کالای مورد حمایت، خواه ماشین یا خانه، استفاده نمی‌کند. پس اگر چنین چیزی مقدور است، این پرسش پیش می‌آید که چرا مسلمانان نمی‌توانند از بانک‌های «اسلامی» فراتر رفته و از این نوع تسهیلات عمدتا مبتنی بر مبادله اخلاقی ایجاد کنند؟»

مسلمانان در بریتانیا سالانه صدها میلیون پوند به امور خیریه اهدا می‌کنند که بیشتر آن به خارج از کشور می‌رود. خواسته‌های امت جهانی شدید و متنوع است، اما این درک روزافزون وجود دارد که باید تعادل را کمی از خارجی به داخلی تغییر داد. تمرکز ما بر دلایل بی‌پایان خارج از کشور که خواستار حمایت ما هستند، ما را از ایجاد جایگزین‌های واقعا اسلامی که در خدمت جوامع خودمان هستند منحرف کرده است. این وضعیت همراه با وسواس غیر ضروری نسبت به سود، به سدی برای کمک به فقرا و افراد آسیب‌پذیر تبدیل شده است. زمان آن فرا رسیده است که ما کار تحقق مسکن واقعا مطابق با شرع و مقرون به صرفه را آغاز کنیم. تا حدی که نیاز است پول و تخصص وجود دارد، پرسش این است که آیا اراده آن را داریم؟

**فیصل بودی** یکی از ویراستاران نشریه بلندنگری و مسئول روابط عمومی موسسه اسلامی حقوق بشر است. او به عنوان خبرنگار در رسانه‌های چاپی و صوتی که در زمینه‌های مسلمانان تخصص دارد، فعالیت کرده است. در طول حدود ۱۵ سال فعالیت خبرنگاری، فیصل به طور گسترده برای روزنامه گاردین مطلب می‌نوشت و همچنین برای شبکه بی‌بی‌سی و الجزیره کار می‌کرد.

# تشکیلات خودگردان فلسطین: انتخاب غیر ممکن تشکیلات در عصر لانه‌ی شیرها

**رمزی بارود و رومانا رویئو** به تفصیل کاهش اهمیت تشکیلات خودگردان برای فلسطینیان در حالی که اشکال جدیدی از مقاومت علیه ستم [رژیم اشغالگر] اسرائیل برجسته می‌شود را تشریح می‌کنند. به شکلی مفسده برانگیز و وحشیانه، آینده تشکیلات خودگردان اکنون توسط مقاومت در حال تکامل مردم فلسطین در برابر رژیم آپارتاید و مجری آن دیکته می‌شود.

هنگامی که خدر عدنان یکی از اعضای برجسته جنبش مقاومت جهاد اسلامی در ۲ مه در پی یک اعتصاب غذای طولانی در زندان [رژیم اشغالگر] اسرائیل در گذشت، مقامات تشکیلات خودگردان فلسطین بیانیه‌های آتشین صادر کردند. محمد اشته، نخست وزیر تشکیلات خودگردان، با محکوم کردن [رژیم اشغالگر] اسرائیل، تا آنجا پیش رفت که مرگ عدنان را «قتل عمد» توسط [رژیم اشغالگر] اسرائیل توصیف کرد.

اگر کسی به طور دقیق به گفتمان سیاسی برخاسته از سوی تشکیلات خودگردان در رام الله توجه کند، اشتباه خواهد کرد که رهبری تشکیلات خودگردان را به عنوان یک گروه مقاومت در نظر بگیرد و نه به عنوان همان نهادی که در طول تاریخ به عنوان واسطه بین مقاومت فلسطینیان و اشغال نظامی [رژیم اشغالگر] اسرائیل عمل کرده است.

برای [رژیم اشغالگر] اسرائیل و ایالات متحده، تشکیلات خودگردان همچنان به ایفای نقش اساسی خود ادامه می‌دهد و به [رژیم اشغالگر] اسرائیل کمک می‌کند تا شهرک‌های غیرقانونی خود را در فلسطین اشغالی حفظ کند و در عین حال از رویارویی مستقیم بین مقاومت‌های فلسطینیان و [رژیم اشغالگر] اسرائیل بکاهد. تشکیلات خودگردان، به ویژه تحت

رهبری محمود عباس، رئیس‌جمهور خود، تا آن حد در ایفای این نقش موفق بوده است که حتی زمانی که دولت سابق امریکا، دونالد ترامپ، بودجه سالانه اختصاص داده شده به تشکیلات خودگردان را دریغ کرد، حداقل در ابتدا از ادامه این نقش خودداری کرد. معمولاً ۷۵ میلیون دلار توسط واشنگتن به عنوان «هماهنگی امنیتی» - دستگاهی که به تشکیلات خودگردان و ارتش [رژیم اشغالگر] اسرائیل اجازه می‌دهد تا به طور مشترک اشغال کرانه باختری را مدیریت کنند - ارائه می‌شود.

از سوی دیگر، تشکیلات خودگردان بزرگترین کارفرمای فلسطینی‌ها است که تخمین زده می‌شود ۱۵۰ هزار شغل در سرزمین‌های اشغالی ایجاد کند. این امر به تشکیلات خودگردان اجازه داد تا عمل متعادل خود را حفظ کند که به موجب آن به عنوان یک متحد ایالات متحده، شریک قابل اعتماد تل آویو و همچنین خروجی اصلی برای اشتغال فلسطینیان و در نتیجه بقای روزمره آنها ظاهر می‌شود. با وجود یکاری به شدت بالا در یک الگوی اقتصادی بسیار وابسته، حتی فلسطینی‌هایی که از فساد بومی تشکیلات خودگردان و همکاری با [رژیم اشغالگر] اسرائیل ناامید هستند، همچنان هر ماه برای دریافت چک‌های شغلی به شدت مورد نیاز صف می‌کشند.

با این حال، این پارادایم برای چندین سال ناپایدار بوده است. به نظر می‌رسد نسل جدیدی از فلسطینی‌ها از معادله اقتصادی - اجتماعی که از زمان تأسیس تشکیلات خودگردان فلسطین در سال ۱۹۹۴، بلافاصله پس از امضای توافقنامه اسلو، در حال اجزاست، ناراضی هستند. این تغییر نسلی که با ظهور انتفاضه اورشلیم - که انتفاضه چاقو نیز نامیده می‌شود - در سال ۲۰۱۵ آشکار شد، اقدامات عمدتاً فردی جوانان فلسطینی که به سربازان اشغالگر [رژیم اشغالگر] اسرائیل در فریادهای به ظاهر نامیدانه علیه بی‌عدالتی‌های جاری حمله می‌کردند. با این حال، آن انتفاضه برای مدت طولانی دوام نیاورد، زیرا فاقد عناصر اجتماعی جمعی بود که اغلب چنین قیام‌هایی را پشتیبانی می‌کند. بسیاری از جوانان فلسطینی در آن زمان کشته شدند، بسیاری از آنها بنا بر گزارش‌ها توسط سربازان شادمان [رژیم اشغالگر] اسرائیل هدف گلوله قرار گرفتند، بدون اینکه هیچ مدرکی مبنی بر تهدید جانی سربازان وجود داشته باشد.

درست زمانی که [رژیم اشغالگر] اسرائیل احساس می‌کرد که انتفاضه سوم بالقوه به طور کامل حذف شده است و با ادامه هماهنگی امنیتی بین ارتش [رژیم اشغالگر] اسرائیل و تشکیلات خودگردان، رویدادهای



متوالی از قدس شرقی فلسطین اشغالی - به ویژه در محله‌های شیخ جراح و سیلوان - آغاز شد. رویارویی بسیار بزرگتر در حالی که بولدوزرهای [رژیم اشغالگر] اسرائیل در بحبوحه خشونت شهرک نشینان و پلیس آماده تخریب خانه‌های فلسطینیان در بیت‌المقدس شرقی بودند، غزه حملات موشکی را علیه [رژیم اشغالگر] اسرائیل انجام داد. به زودی شکل جدیدی از الگوی مقاومت به وجود آمد که تمامی شهرها و شهرک‌های فلسطینی را نه تنها در فلسطین اشغالی، بلکه در [رژیم اشغالگر] اسرائیل یا مناطق ۴۸ گانه فلسطین نامیده می‌شود، دربر گرفت. این وقایع در انتفاضه وحدت می ۲۰۲۱ تیلور یافتند که نقطه عطفی در تاریخ مبارزات فلسطین بود. پس از سالها اختلاف، نفاق و جدایی تقریباً کامل بین غزه و کرانه باختری، انتفاضه جدید گفتمان فلسطین را به درجه‌ای از انسجام و مرکزیت بازگرداند که از زمان تأسیس تشکیلات خودگردان فلسطین رخ نداده بود.

تشکیلات خودگردان با آگاهی از اهمیت زمان، نامیدانه تلاش کرد تا حد وسطی بیابد و لفاظی‌های خود را که مردم فلسطین را هدف قرار می‌دهد، به گونه‌ای ارتقا داد تا نیرویی انقلابی به نظر برسد، در حالی که با احتیاط با [رژیم اشغالگر] اسرائیل کار می‌کرد به گونه‌ای که گویی چیزی در میدان تغییر نکرده است. این مأموریت با ظهور بریگادهای لانه‌ی شیرها و سایر گروه‌های مسلح غیرجانحی در کرانه باختری دشوارتر و پیچیده‌تر شد: زیرا مسئولیت تشکیلات خودگردان در قبال تل‌آویو و واشنگتن مستلزم این بود که نیروهای امنیتی آن باید به [رژیم اشغالگر] اسرائیل در نبرد کمک کنند. این گروه‌ها برای اینکه نتوانند فراتر از نابلس و جنین به بقیه کرانه باختری گسترش یابند. و با این واقعیت پیچیده همراه است که بسیاری از این جنگجویان اعضای شاخه مسلح خود فتح، گردان شهدای الاقصی نیز هستند. فتح بزرگترین حزب در سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) است. تشکیلات خودگردان عمدتاً به عنوان جایگزینی برای ساختار سیاسی متحدتر ساف تأسیس شد. و فتح از نظر تاریخی بر هر دو تسلط داشته است. شورش

در درون فتح سالها است که در حال شکل‌گیری است، اما محمود عباس با کمک [رژیم اشغالگر] اسرائیل توانست بخش زیادی از رقابت را از بین ببرد.

**زمانی که [رژیم اشغالگر] اسرائیل احساس می‌کرد انتفاضه سوم بالقوه به طور کامل حذف شده است و با ادامه هماهنگی امنیتی بین ارتش [رژیم اشغالگر] اسرائیل و تشکیلات خودگردان، رویدادهای متوالی از قدس شرقی فلسطین اشغالی - به ویژه در محله‌های شیخ جراح و سیلوان - آغاز شد**

**رویارویی بسیار بزرگتر در حالی که بولدوزرهای [رژیم اشغالگر] اسرائیل در بحبوحه خشونت شهرک نشینان و پلیس آماده تخریب خانه‌های فلسطینیان در بیت‌المقدس شرقی بودند، غزه حملات موشکی را علیه [رژیم اشغالگر] اسرائیل انجام داد**

**به زودی شکل جدیدی از الگوی مقاومت به وجود آمد که تمامی شهرها و شهرک‌های فلسطینی را نه تنها در فلسطین اشغالی، بلکه در [رژیم اشغالگر] اسرائیل یا مناطق ۴۸ گانه فلسطین نامیده می‌شود، دربر گرفت**

با محمد دحلان، یک جنگ‌سالار فاسد که در تبعید در امارات متحده عربی زندگی می‌کند و مروان برغوتی، رهبر محبوب فتح که به مدت ۲۱ سال در زندان [رژیم اشغالگر] اسرائیل محبوس شده بود، عباس و حلقه کوچکش از متحدان فتح بر فتح، ساف، سازمان آزادیبخش فلسطین، تشکیلات خودگردان و تمام جنبه‌های تصمیم‌گیری فلسطین تسلط یافتند.

تشکیلات خودگردان با ناامیدی از پایان دادن به شورش مسلحانه در فتح، که احتمالاً در صورت مرگ عباس نتیجه‌اش را نشان می‌دهد، لانه شیرها، گردان‌های جنین، شهدای الاقصی، از جمله، مشاغل دائمی در شاخه‌های امنیتی خودگردان را پیشنهاد داد. همچنین پیشنهاد داد با [رژیم اشغالگر] اسرائیل میانجیگری کند تا تل‌آویو در ازای زمین گذاشتن سلاح‌هایشان، آنها را عفو کند. اگرچه چنین تاکتیک‌هایی در گذشته تا حدودی جواب داده است، اما این بار شکست خورد. برای جوانان شورشی در کرانه باختری، مقاومت مسلحانه جدید انگیزه اقتصادی ندارد، بلکه بخشی از پویایی در حال تغییر مقاومت در سراسر فلسطین و ظهور یک جنبش مردمی قوی همراه با نوع متفاوتی از پویایی گروه‌های جمعی است.

### لانه‌ی شیرها: الگوی مقاومت جدید

در دسامبر ۲۰۲۲، درست زمانی که [رژیم اشغالگر] اسرائیل و حتی برخی از فلسطینی‌ها در زمان گذشته درباره پدیده لانه شیرها صحبت کردند، تعداد زیادی از مبارزان متعلق به گروه تازه تأسیس فلسطینی در شهر قدیمی نابلس راهپیمایی کردند. در مقایسه با اولین حضور این گروه در ۲ سپتامبر همان سال، تعداد مبارزانی که در راهپیمایی ۹ دسامبر در نابلس شرکت کردند به طور قابل توجهی بیشتر بود. آنها مجهزتر، با خستگی نظامی مشابه و اقدامات احتیاطی امنیتی بیشتر حضور یافتند. یکی از مبارزان در سخنانی با اشاره به نوع مقاومت جمعی که از منافع جناحی فراتر می‌رود گفت: «لانه متعلق به تمام فلسطین است و به وحدت خون، مبارزه و سلاح اعتقاد دارد.»

ناگفته نماند که این رویداد قابل توجه بود. تنها دو ماه قبل از آن، بنی گانتز، وزیر دفاع وقت [رژیم اشغالگر] اسرائیل، این گروه را از نظر تعداد و نفوذ تضعیف کرد و آن را «حدود ۳۰ عضو» تخمین زد و متعهد شد که «به آنها دست بزنیم ... و از بین ببریم». تشکیلات خودگردان نیز فعالانه در سرکوب این گروه مشارکت داشت، هرچند از رویکردی متفاوت استفاده می‌کرد. رسانه‌های فلسطینی و عربی از پیشنهادهای سخاوتمندانه تشکیلات

بوده است. این ادعا توسط آمار وزارت بهداشت فلسطین تأیید شده است که نشان می‌دهد تنها در آن سال ۲۲۴ فلسطینی توسط نیروهای [رژیم اشغالگر] اسرائیلی کشته شده‌اند که ۵۳ نفر از آنها کودک هستند. این تعداد احتمالاً در سال ۲۰۲۳ افزایش خواهد یافت، زیرا دولت جناح راست به رهبری نخست‌وزیر [رژیم اشغالگر] اسرائیل بنیامین نتانیاهو قبلاً حملات مرگبار زیادی را در سراسر فلسطین انجام داده است که در چهار ماه اول سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۰۰ فلسطینی را کشته است.

### فروپاشی سیاسی

اما شورش مسلحانه در کرانه باختری بیش از خشونت [رژیم اشغالگر] اسرائیل به تنهایی است. با گذشت نزدیک به سه دهه از امضای توافقنامه اسلو، فلسطینی‌ها به هیچ یک از حقوق اولیه سیاسی یا قانونی خود دست نیافته‌اند. برعکس، سیاستمداران جناح راست گستاخ در [رژیم اشغالگر] اسرائیل اکنون از «الحاق نرم» یکجانبه بخش‌های وسیعی از کرانه باختری صحبت می‌کنند. هیچ یک از موضوعاتی که در سال ۱۹۹۳ مهم تلقی می‌شد - وضعیت قدس اشغالی، پناهندگان، مرزها، آب و غیره - حتی امروز در دستور کار نیست. از آن زمان، [رژیم اشغالگر] اسرائیل بیشتر روی قوانین نژادی و سیاست‌های آپارتاید سرمایه‌گذاری کرده است و آن را به یک رژیم مطلقه آپارتاید تبدیل کرده است. گروه‌های بزرگ حقوق بشر بین‌المللی هویت جدید و کاملاً نژادپرستانه [رژیم اشغالگر] اسرائیل را پذیرفته و گزارش داده‌اند.

با حمایت کامل ایالات متحده و بدون فشار بین‌المللی بر [رژیم اشغالگر] اسرائیل که شایسته ذکر باشد، جامعه فلسطین فراتر از کانال‌های سنتی سه دهه گذشته بسیج می‌شود. علیرغم فعالیت برخی سازمان‌های غیردولتی فلسطینی، «سازمان غیردولتی» جامعه فلسطین، که عمدتاً با سرمایه‌هایی که عمدتاً از حامیان غربی [رژیم اشغالگر] اسرائیل به دست می‌آید، فعالیت می‌کند، شکاف طبقاتی را در میان فلسطینی‌ها تشدید کرده است. با توجه به اینکه رام‌الله و چند مرکز شهری دیگر به عنوان مقرر تشکیلات خودگردان

شواهد تجربی هستند که از جمله آنها منجر به شکست تشکیلات خودگردان فاسد از نظر مالی و سیاسی در پیشبرد خواسته‌های فلسطینیان به هر نحوی می‌شود، علاوه بر این به بی‌علاقگی کامل [رژیم اشغالگر] اسرائیل به هر شکلی از مذاکرات صلح و روند رو به رشد راست افراطی و فاشیستی در جامعه [رژیم اشغالگر] اسرائیلی که مستقیماً با خشونت‌های روزانه علیه فلسطینیان در قدس شرقی و کرانه باختری رود اردن در ارتباط است.

**برای [رژیم اشغالگر] اسرائیل و همچنین برخی فلسطینی‌ها، لانه شیرها یک مشکل بی‌سابقه است که پیامدهای آن تهدیدی برای تغییر کامل پویایی سیاسی در کرانه باختری اشغالی است**

**از آنجایی که نشان‌های لانه شیرها اکنون در هر محله فلسطینی در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی ظاهر می‌شوند، این گروه موفق شده است از یک محله خاص نابلس - القصبه - منشعب شود تا به یک تجربه جمعی فلسطینی تبدیل شود**

**نظر سنجی نشان داد که ۷۲ درصد از کل فلسطینی‌ها از ایجاد چنین گروه‌های مسلح بیشتر در کرانه باختری حمایت می‌کنند و تقریباً ۶۰ درصد از این بیم دارند که شورش مسلحانه خطر رویارویی مستقیم با تشکیلات خودگردان را به همراه داشته باشد**

«تور ونسلند» فرستاده سازمان ملل در خاورمیانه اخیراً گزارش داد که سال ۲۰۲۲ «مرگبارترین سال برای فلسطینیان در کرانه باختری از سال ۲۰۰۵ تاکنون»

خودگردان برای شغل و پول به جنگجویان لانه شیرها در صورت موافقت با زمین گذاشتن سلاح‌هایشان گزارش‌ها نوشتند.

با این حال، هر دو رهبری [رژیم اشغالگر] اسرائیل و فلسطین وضعیت را به شدت نادرست خوانده‌اند. آنها به اشتباه تصور کرده‌اند که جنبش نابلس یک پدیده منطقه‌ای و موقتی است که مانند سایرین در گذشته به راحتی می‌توان آن را خرید یا سرکوب کرد. با این حال، به نظر می‌رسد تعداد لانه شیرها افزایش یافته است و قبلاً به جنین، الخلیل، اردوگاه پناهندگان بالاتا و حتی جریکو و بیت‌الحم منشعب شده است.

برای [رژیم اشغالگر] اسرائیل و همچنین برای برخی فلسطینی‌ها، لانه شیرها یک مشکل بی‌سابقه است که پیامدهای آن تهدیدی برای تغییر کامل پویایی سیاسی در کرانه باختری اشغالی است. از آنجایی که نشان‌های لانه شیرها اکنون در هر محله فلسطینی در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی ظاهر می‌شوند، این گروه موفق شده است از یک محله خاص نابلس - القصبه - منشعب شود تا به یک تجربه جمعی فلسطینی تبدیل شود.

نظرسنجی انجام شده توسط مرکز فلسطینی برای تحقیقات سیاست و بررسی در دسامبر ۲۰۲۲ این پدیده را برجسته کرد. این نظرسنجی نشان داد که ۷۲ درصد از کل فلسطینی‌ها از ایجاد چنین گروه‌های مسلح بیشتری در کرانه باختری حمایت می‌کنند. تقریباً ۶۰ درصد از این بیم دارند که شورش مسلحانه خطر رویارویی مستقیم با تشکیلات خودگردان را به همراه داشته باشد. ۷۹ درصد و ۸۷ درصد به ترتیب تسلیم جنگجویان به نیروهای خودگردان را رد می‌کنند و این ایده را که تشکیلات خودگردان حتی حق انجام چنین دستگیری‌هایی را دارد نمی‌پذیرند.

این اعداد و ارقام گویای واقعیت در خیابان هستند و به عدم اعتماد تقریباً کامل به تشکیلات خودگردان و این باور اشاره می‌کنند که تنها مقاومت مسلحانه، مشابه آنچه در غزه وجود دارد، قادر به به چالش کشیدن اشغالگری [رژیم اشغالگر] اسرائیل است. این مفاهیم مبتنی بر

و فهرست عظیمی از سازمان‌های غیردولتی عمل می‌کنند، جنین، نابلس و کمپ‌های آوارگان مجاور آن‌ها در حاشیه‌سازی اقتصادی، خشونت [رژیم اشغالگر] اسرائیل و بی‌توجهی سیاسی به سر می‌برند.

شورش در کرانه باختری که از الگوی سیاسی شکست خورده تشکیلات خودگردان ناامید شده و به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر مقاومت مسلحانه در غزه قرار گرفته است، صرفاً موضوع زمان است، در واقع، در حال حاضر به طور محرز در جریان است. آنچه که نشانه‌های اولیه یک انتفاضه مسلحانه توده‌ای در کرانه باختری را از انتفاضه بیت‌المقدس در سال ۲۰۱۵ متمایز می‌کند این است که انتفاضه ۲۰۱۵، مجموعه‌ای از اقدامات فردی نامنظم بود که توسط جوانان مظلوم کرانه باختری انجام شد، در حالی که انتفاضه اولی یک پدیده مردمی و سازمان یافته با گفتمان سیاسی منحصر به فردی است که برای اکثریت جامعه فلسطین جذاب است. و برخلاف انتفاضه دوم ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، شورش مسلحانه متعاقب آن ریشه در یک پایگاه مردمی و نه در نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان دارد.

نزدیکترین مرجع تاریخی به این پدیده، شورش فلسطینیان ۱۹۳۹-۱۹۳۶ است که توسط هزاران فلاحین - دهقانان - در حومه فلسطین رهبری می‌شد. سال آخر آن شورش شاهد شکاف بزرگی بین رهبری فلاحین و احزاب سیاسی شهری بود. تاریخ در حال تکرار است و مانند شورش ۱۹۳۶، آینده فلسطین و مقاومت فلسطین - در واقع، کل بافت اجتماعی جامعه فلسطین تحت تأثیر قرار گرفته است. اما چرا تشکیلات خودگردان اینقدر سریع در برابر فشار فلسطینیان عادی در خیابان سر تعظیم فروود آورد؟ پاسخ در تغییر روحیه سیاسی در فلسطین نهفته است.

### تشکیلات خودگردان فلسطین

در سپتامبر ۲۰۲۲، دستگیری دو فعال فلسطینی، از جمله چهره برجسته مصعب شتی، توسط پلیس تشکیلات خودگردان اولین باری نبود که سرویس امنیت پیشگیرانه آن یک فلسطینی تحت تعقیب [رژیم اشغالگر] اسرائیل را دستگیر می‌کرد. در واقع، این گروه تا حد زیادی با دستگیری

و شکنجه معمول فعالان اشغالگر ضد [رژیم اشغالگر] اسرائیل مرتبط است. چندین فلسطینی در گذشته در نتیجه خشونت‌های سرویس امنیت پیشگیرانه جان خود را از دست داده‌اند، آخرین آنها نزار بنات است که در ژوئن ۲۰۲۱ تا به سبب شکنجه کشته شد. قتل بنات باعث شورش مردمی علیه تشکیلات خودگردان در سراسر فلسطین شد.

**شورش در کرانه باختری که از الگوی سیاسی شکست خورده تشکیلات خودگردان ناامید شده و به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر مقاومت مسلحانه در غزه قرار گرفته است، صرفاً موضوع زمان است، در واقع، در حال حاضر به طور محرز در جریان است**

**برای سال‌ها، گروه‌های مختلف حقوق بشر فلسطینی و بین‌المللی اغلب در همان گزارش‌های حقوق بشری که از اشغال نظامی [رژیم اشغالگر] اسرائیل در فلسطین انتقاد می‌کنند از اقدامات خشونت آمیز تشکیلات خودگردان علیه صداهای مخالف فلسطینی انتقاد کرده‌اند**

**شکیلات خودگردان نه تنها در دستیابی به کشور مورد علاقه فلسطین شکست خورده است، بلکه به دستگاهی بسیار فاسد تبدیل شده است که وجود آن عمدتاً در خدمت طبقه کوچکی از سیاستمداران و بازرگانان فلسطینی است**

علیه صداهای مخالف فلسطینی انتقاد کرده‌اند. دولت حماس در غزه نیز سهم خود از سرزنش‌ها را پذیرفته است. دیده‌بان حقوق بشر در «گزارش جهانی ۲۰۲۲» خود که در ژانویه ۲۰۲۳ منتشر شد، گفت که «دولت خودگردان فلسطین... به طور نظام‌مند مخالفان را به طور خودسرانه دستگیر و شکنجه می‌کند.» این نه اولین و نه آخرین باری بود که یک گروه حقوق بشری چنین اتهامی را وارد می‌کرد. ارتباط بین هدف قرار دادن مخالفان و فعالان سیاسی توسط [رژیم اشغالگر] اسرائیل و فلسطین، به همین دلیل، برای اکثر فلسطینی‌ها روشن است.

در مقطعی، برخی از فلسطینی‌ها ممکن است بر این باور باشند که نقش تشکیلات خودگردان این بود که به عنوان یک انتقال بین پروژه آزادی‌بخش ملی آنها و استقلال و حاکمیت کامل در میدان عمل کند. با این حال، نزدیک به ۳۰ سال پس از تأسیس تشکیلات خودگردان، چنین تصویری به آرزو بدل شده است. تشکیلات خودگردان نه تنها در دستیابی به کشور مورد علاقه فلسطین شکست خورده است، بلکه به دستگاهی بسیار فاسد تبدیل شده است که وجود آن عمدتاً در خدمت طبقه کوچکی از سیاستمداران و بازرگانان فلسطینی است. جدای از فساد تشکیلات خودگردان و خشونت متعاقب آن، آنچه که همچنان اکثر فلسطینی‌ها را آزار می‌دهد این است که حکومت خودگردان با گذشت زمان، به مظهر دیگری از اشغالگری [رژیم اشغالگر] اسرائیل تبدیل شد، آزادی بیان فلسطینی‌ها را محدود کرد و به خدمت ارتش [رژیم اشغالگر] اسرائیل درآمد. بسیاری از کسانی که توسط ارتش [رژیم اشغالگر] اسرائیل در کرانه باختری دستگیر شده‌اند، توسط نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان نیز بازداشت شده‌اند. واضح‌تر اینکه، صحنه شورش‌های خشونت آمیز در شهر نابلس پس از دستگیری شتی، یادآور شورش‌ها علیه نیروهای اشغالگر [رژیم اشغالگر] اسرائیل در شمال شهر کرانه باختری یا هر جای دیگر در فلسطین اشغالی بود. برخلاف رویارویی‌های قبلی بین فلسطینی‌ها و پلیس تشکیلات خودگردان - به عنوان مثال، پس از کشتن بنات - این بار خشونت گسترده

برای سال‌ها، گروه‌های مختلف حقوق بشر فلسطینی و بین‌المللی اغلب در همان گزارش‌های حقوق بشری که از اشغال نظامی [رژیم اشغالگر] اسرائیل در فلسطین انتقاد می‌کنند از اقدامات خشونت آمیز تشکیلات خودگردان



فلسطین را در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی فلسطین جسارت بخشید. برای اولین بار پس از سال‌ها، فلسطینی‌ها اکنون حول یک شعار واحد احساس اتحاد می‌کنند و دیگر گروگان جغرافیای سیاسی و جناحی نیستند. نسل جدیدی از جوانان فلسطینی گفتگو را فراتر از عباس، تشکیلات خودگردان و لفاظی‌های سیاسی بی‌پایان و بی‌اثر آنها پیش برده‌اند.

چهارم، مبارزه‌ی مسلحانه در کرانه‌ی باختری، مستقل از درخواست‌ها یا تهدیدات تشکیلات خودگردان، به سرعت در حال رشد است. در واقع، شواهدی مبنی بر انتفاضه مسلحانه در مناطق جین و نابلس در حال افزایش است. آنچه از دیدگاه [رژیم اشغالگر] اسرائیل و تشکیلات خودگردان به ویژه جالب و نگران کننده است، در مورد ماهیت پدیده مبارزات مسلحانه نوپا این است که عمدتاً توسط شاخه نظامی حزب حاکم فتح با همکاری مستقیم حماس، جهاد اسلامی، جناح‌های نظامی اسلام‌گرا و ناسیونالیست و سایرین رهبری می‌شود. در حالی که پاسخ [رژیم اشغالگر] اسرائیل به همه اینها را می‌توان به راحتی از سابقه خشونت‌بار آن درک کرد، مسیر اقدام آینده تشکیلات خودگردان احتمالاً رابطه آن را با [رژیم اشغالگر] اسرائیل و حامیان غربی آن از یک سو و با مردم فلسطین از سوی دیگر تعیین خواهد کرد.

دکتر رمزی بارود روزنامه‌نگار، نویسنده

و سردبیر کرونیکل فلسطین است. او

نویسنده شش کتاب است. آخرین کتاب

او که با همکاری ایلان پایه ویرایش شده

است، «چشم‌انداز ما برای آزادی: رهبران و

روشنفکران فلسطینی مرتبط، صحبت می‌کنند»

است. از دیگر کتاب‌های او می‌توان به «پدر

من مبارز آزادی بود» و «آخرین سرزمین»

اشاره کرد. بارود پژوهشگر ارشد غیرمقیم

مرکز اسلام و امور جهانی است. وب‌سایت او

[www.ramzybaroud.net](http://www.ramzybaroud.net) است.

رومانا روبنو نویسنده ایتالیایی و سردبیر

مجله کرونیکل فلسطین است. مقالات او

در بسیاری از روزنامه‌های برخط و مجلات

دانشگاهی منتشر می‌شود. او دارای مدرک

کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات

خارجی و متخصص در ترجمه شفاهی و

روزنامه‌نگاری است.

زمانی در میان فلسطینیان داشت، تجدید کند. اما این امر ممکن است به چند دلیل امکان‌پذیر نباشد:

نخست اینکه، بحران مشروعیت تشکیلات خودگردان پدیده جدیدی نیست. سال‌ها است که ناراضی‌هایی از تشکیلات خودگردان در حال افزایش است. نظرسنجی‌ها یکی پس از دیگری نشان می‌دهد که اکثر فلسطینی‌ها به رهبری خود، محمود عباس و به ویژه «هماهنگی امنیتی» با [رژیم اشغالگر] اسرائیل توجه نشان می‌دهند.

**بحران مشروعیت تشکیلات خودگردان پدیده جدیدی نیست؛ سال‌ها است که ناراضی‌هایی از تشکیلات خودگردان در حال افزایش است، نظرسنجی‌ها یکی پس از دیگری نشان می‌دهد که اکثر فلسطینی‌ها به رهبری خود، محمود عباس و به ویژه «هماهنگی امنیتی» با [رژیم اشغالگر] اسرائیل توجه دارند**

**آنچه از دیدگاه [رژیم اشغالگر] اسرائیل و تشکیلات خودگردان به ویژه جالب و نگران کننده است، در مورد ماهیت پدیده مبارزات مسلحانه نوپا این است که عمدتاً توسط شاخه نظامی حزب حاکم فتح با همکاری مستقیم حماس، جهاد اسلامی، جناح‌های نظامی اسلام‌گرا و ناسیونالیست و سایرین رهبری می‌شود**

دوم، شکنجه و مرگ بنات، معترض سیاسی در ژوئن ۲۰۲۱، صبر فلسطینیان را در قبال رهبری خود به عنوان «محافظ» مردم و پیشرو در برابر خشونت [رژیم اشغالگر] اسرائیل از بین برد. آن رویداد، که خود نقطه اوج بسیاری از رویدادهای مشابه دیگر بود، به فلسطینیان نشان داد که تشکیلات خودگردان یک متحد نیست، بلکه یک تهدید مستقیم است. سوم، انتفاضه‌ی وحدت در ماه می ۲۰۲۱ بخش‌های زیادی از جامعه

بود و معترضان از تمامی گروه‌های سیاسی فلسطینی از جمله جناح حاکم فتح را درگیر کرد. دولت تشکیلات خودگردان که شاید از تغییر روانی جمعی گسترده‌ای که در سال‌های اخیر در فلسطین رخ داده است، بی‌خبر بود، به شدت به دنبال مهار خشونت افتاد. در آگوست ۲۰۲۲، ارتش [رژیم اشغالگر] اسرائیل، ابراهیم النابلسی، یکی از فرماندهان برجسته نظامی فتح را به همراه دو تن دیگر ترور کرد. تشکیلات خودگردان نه تنها کاری برای متوقف کردن ماشین نظامی [رژیم اشغالگر] اسرائیل از انجام این گونه ترورها انجام نداد، بلکه شش هفته بعد شتی را که از رفقای نزدیک النابلسی بود دستگیر کرد - اقدامی که حاکی از همدستی مستقیم تشکیلات خودگردان فلسطین در ترور فلسطینیان توسط [رژیم اشغالگر] اسرائیل است. جالب اینجاست که شتی یکی از اعضای فتح نیست، بلکه یکی از فرماندهان شاخه نظامی حماس، گردان‌های عزالدین قسام است. اگرچه قرار است فتح و حماس رقبای سیاسی شدیدی باشند، اما به نظر می‌رسد که درگیری سیاسی آنها هیچ ارتباطی با گروه‌های مقاومت مسلحانه در کرانه باختری نداشته باشد.

مقاومت بیشتر فلسطینی‌ها و خشونت‌های [رژیم اشغالگر] اسرائیل/ تشکیلات خودگردان به دلایل متعدد به احتمال زیاد عزم [رژیم اشغالگر] اسرائیل برای سرکوب هر گونه انتفاضه مسلحانه در کرانه باختری پیش از گسترش آن در بقیه اراضی اشغالی فلسطین، انتقال رهبری قریب الوقوع در تشکیلات خودگردان به دلیل اقدامات عباس دچار کھولت سن شده و اتحاد روزافزون فلسطینی‌ها پیرامون موضوع مقاومت مسلحانه و مردمی را در پی خواهد داشت.

### فراتر از تشکیلات خودگردان فلسطین

حال و هوای سیاسی در فلسطین به وضوح در حال تغییر است. تشکیلات خودگردان با بزرگترین چالش مشروعیت خود تا به امروز مواجه است، زیرا به نظر می‌رسد فلسطینیان عادی فراتر از زبان کلیشه‌ای عباس، وعده‌های توخالی و سخترانی‌های آتشین اما زائد حرکت کرده‌اند. تشکیلات خودگردان برای گذر از طوفان، ناامید است تا خود را بازبایی کند و حداقل مشروعیتی را که

# بخش اصلی ایمان: بنیان وحدت اسلامی

در این نوشتار خلاصه از کتاب «جستجوی وحدت»، امام احمد قسیم، اساس وحدت را در منابع اسلامی جستجو می‌کند. با نزدیک شدن به موسم حج، سخنان او برای امت اسلامی تأمل برانگیز است.

بنیان وحدت اسلامی، خود اسلام است. برای اتحاد مسلمانان نیازی به هیچ توجیهی خارج از حوزه اسلام نداریم.

«و خدای شما، خدای یکتاست، نیست خدای مگر او که بخشاینده و مهربان است.»  
(قرآن کریم، ۲: ۱۶۳)

کسانی که به یکتایی خداوند ایمان دارند، ملزم به تسلیم کامل در برابر اوامر او هستند. به منظور حفظ امنیت، اتحاد و همبستگی در بین مسلمانان، هیچ گونه اختیاری در این زمینه مجاز نیست. این امر از نزاع‌های داخلی و درگیری‌های بیهوده پیشگیری می‌کند.

«آنان که دین را پراکنده نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آنها پوش) چنین کسان به کار تونیايند، (و از دست آنها غمگین مباش که مجازات) کار آنها با خداست و بعد از این به آنچه می‌کردند آگاهشان می‌گرداند.»  
(قرآن کریم، ۶: ۱۵۹)

بنابراین هر تکلفی در اسلام، سنگ بنای تلاشی برای وحدت است. ناآگاهی یا بی‌اطلاعی از برخی تعهدات، مبارزه برای اتحاد را تضعیف می‌کند. غفلت از برخی تعهدات نیز دقیقاً همین کار را می‌کند. سستی و بی‌اشتیاقی نسبت به هر یک از تعهدات، روند وحدت را به تأخیر می‌اندازد.

«اگر مسلمانان امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، بدکاران بر آنان مسلط خواهند شد.»  
(حدیث)

«و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.»  
(قرآن کریم، ۳: ۱۰۵-۱۰۴)

این احکام بر مسلمانان فرض کرده است که جامعه، نظم اجتماعی و جامعه جهانی را از هر چیزی که برای آن زیانبار و مضر است پاکسازی کنند.

## وحدت اسلام

«ای اهل ایمان، از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام.»  
(قرآن کریم، ۳: ۱۰۳-۱۰۲)

مساجد مراکز ذکر خداوند و از این رو کانون توحید هستند. این مکان‌ها قطعاً مراکز تفرقه، اختلاف و هرج و مرج نیستند. نه تنها در یک مسجد خاص نباید رقابت و اختلاف وجود داشته باشد، بلکه بین مساجد مختلف نیز نباید رقابت و اختلاف وجود داشته باشد. همه مساجد

یک پیام را تبلیغ می‌کنند - پیام اسلام، پیام قرآن.

تمامی مسلمانان با یک کلمه (شهادت)، یک قرآن، یک اصول دین ارتباط دارند. به عبارت دیگر یک ایده، ارزش و آرمان دارند.

از آنجا که قرآن کریم اساساً کتاب تعالیم است، بنابراین نمی‌توانیم به لحاظ نظری منقاد در فرامین الهی باشیم. اطاعت عملکردی عملی را توصیف می‌کند. منقاد بودن به معنای انجام کاری است که باید به طور عملی محقق شود. بنابراین نمی‌توان بر اهمیت حیاتی آیه زیر بیش از اندازه تأکید نکرد:

«ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود.»  
(قرآن کریم، ۴: ۵۹)

بدون وحدت، امتی وجود ندارد. بدون وحدت، نظم و انضباطی وجود ندارد. بدون وحدت اخلاصی وجود ندارد. بدون وحدت ناتوان هستیم. بدون وحدت، اسلامی در قلب ما وجود ندارد و بدون وحدت، اسلامی در جامعه وجود ندارد.

متحد شدن یعنی علم به آنچه وحدت در آن جایز است؛ دانستن آنچه در آن نباید وحدت کرد؛ دانستن هدف از

**وحدت؛ و دانستن اصولی که حول آن متحد می شویم.**

دانستن این موضوع و متعهد شدن به اجرای آن به معنای دستیابی به وحدت ایدئولوژیک است.

### وحدت هدف

بنابراین، اگر وحدت ایدئولوژیک داشته باشیم وحدت هدف نیز داریم. مسلمانان با اخلاص نمی توانند علیه یکدیگر اقدام کنند و چنین نیز نمی کنند و نخواهند کرد. وحدت هدف، تنها از طریق دانش و درک حاصل می شود.

**دعوت به اسلام دعوت به وحدت است؛** دعوت افراد به اجتماع، به جماعت، به انسجام تحت پرچم اسلام. **یک مسلمان، صرف نظر از محل زندگی، بایستی تفاهم، انضباط و شفقت را در بین سایر مسلمانان ترویج دهد.**

«محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.»  
(قرآن کریم، ۴۸: ۲۹)

کاملاً بديهی است که هر انسانی از تلاشی که در جهت منافع وی باشد و از شانس موفقیت نیز برخوردار باشد، حمایت خواهد کرد.

ما خواستار این هستیم که تلاش هایمان به نفع تمامی مظلومان باشد و به ما تضمین داده شده است که توفیق خواهیم یافت.

«خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنانکه امم صالح پیمبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که) اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهکارند.»  
(قرآن کریم، ۲۴: ۵۵)

### وحدت بیان

وحدت بیان لزوماً به معنای هم رأیی در بیان نیست؛ در عین حال می توانیم بیان

هماهنگ هم داشته باشیم. لازم نیست تمامی ما یک موضوع را با کلماتی یکسان بگوییم. می توانیم یک امر را با کلمات مختلف یا از منظرهای متفاوت بیان کنیم. هماهنگی مستلزم مشورت و همکاری است. در اسلام، ناهماهنگی و اختلاف در بیان را نمی توان تشویق، چشم پوشی و حتی تحمل کرد. در صورت وقوع چنین امری، بایستی اقدامات فوری محقق شود.

**دعوت به اسلام دعوت به وحدت است؛ دعوت افراد به اجتماع، به جماعت، به انسجام تحت پرچم اسلام. یک مسلمان، صرف نظر از محل زندگی، بایستی تفاهم، انضباط و شفقت را در بین سایر مسلمانان ترویج دهد**

**اگر مسلمانان بر اساس این اصول عمل کنند، هرگز در مقابل یکدیگر عصیان نخواهند کرد و نیروها، شأن و قدرشان هدر نخواهد رفت**

**نادیده گرفتن این دستورات استقبال از فاجعه است و اگر مسلمانان به طور فعال به اختلافات دامن بزنند و از آن طرفداری کنند، مرتکب جرم بزرگی علیه امت شده اند. این به منزله خیانت به امت است**

«و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه (با هر دوست و دشمنی) عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می دارد. به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید.»  
(قرآن کریم، ۴۹: ۱۰-۹)

«آنان که دین را پراکنده نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آنها ببوش) چنین کسان به کار تو نیابند، (و از دست آنها غمگین مباش که مجازات) کار آنها با خداست و بعد از این به آنچه می کردند آگاهشان می گردانند.»  
(قرآن کریم، ۶: ۱۵۹)

### وحدت در عمل

وحدت در بیان صرفاً گونه ای از وحدت در عمل است. ممکن است از وحدت بیان صحبت کنیم و در عین حال، وحدت هدف خود را اعلام کنیم، اما وحدت در عمل چیزی نیست که صرفاً راجع به آن صحبت کنیم، بلکه چیزی است که باید در زندگی روزمره و به ویژه در مبارزه با ظلم، استثمار و بی عدالتی نشان دهیم. امت (در معنای جامعه جهانی توحیدی) بایستی در هر مکان، زمان و شرایطی، خواه در سختی و خواه در رفاه، از وحدت و خصوصاً وحدت در عمل حفاظت کنند.

«الا ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی به زبان می گوئید که در مقام عمل خلاف آن می کنید؟ این عمل که سخن بگوئید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می آورد. خدا آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می دارد.»  
(قرآن کریم، ۶۱: ۴-۲)

«و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نپویید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است.»  
(قرآن کریم، ۸: ۴۶)

اگر مسلمانان بر اساس این اصول عمل کنند، هرگز در مقابل یکدیگر عصیان نخواهند کرد و نیروها، شأن و قدرشان هدر نخواهد رفت.

نادیده گرفتن این دستورات استقبال از فاجعه است و اگر مسلمانان به طور فعال به اختلافات دامن بزنند و از آن طرفداری کنند، مرتکب جرم بزرگی علیه امت شده اند. این به منزله خیانت به امت است.



### علل نفاق

«و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیموندند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.» (قرآن کریم، ۳: ۱۰۵)

یکی از عوامل نفاق، ناآگاهی نسبت به تکلیف در تلاش برای وحدت و حفظ آن است. اما همانطور که آیه فوق تصریح می‌کند، برخی از مؤمنان پس از آگاه شدن از وظایف خود موجب اختلاف، تفرقه و در نتیجه نفاق می‌شوند.

دیگر علل اصلی نفاق عبارتند از: حمایت و پایبندی به ملی‌گرایی، تبلیغ و عمل به نژادپرستی و تبعیض نژادی، دلبستگی به مادیات، مقام و منزلت خواستن از جانب ستمگران، آزمندی و خودخواهی، خودپرستی و خودبینی و نادیده گرفتن قانون بنیانی علت و معلول. ریاکاری یکی دیگر از علل اصلی اختلاف و نفاق است.

### پیامدهای نفاق

بدیهی است که پیامدهای نفاق هم برای امت به طور عام و هم برای هر مسلمان به طور خاص زیان‌آور است. امت تضعیف می‌شود، به رنج از دست دادن روحیه دچار می‌شود، وقت و انرژی خود را برای رسیدگی به مشکلات جزئی تلف می‌کند، تضادهای شخصیتی ایجاد می‌شود، مشکلات واقعی نادیده گرفته می‌شوند و توجه بیشتری متوجه مشکلات نگرشی می‌شود و در عین حال که تمامی این اتفاقات حاصل می‌شود، دشمنان اسلام شاد می‌شوند.

بایستی با فوریت و دقت بسیار به مسئله نفاق پردازیم زیرا پرداختن به این مسئله اساس کلی استدلال ما در حمایت از وحدت خواهد بود.

«ای اهل ایمان، از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید.»

«و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود.» (قرآن کریم، ۳: ۱۰۴-۱۰۲)

کاملاً بدیهی است که «خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند» تنها از امتی می‌تواند پدید آید که متحد باشد. چنین اموری نمی‌توانند از یک امت متفرق حاصل شوند. و این برهان با آیه‌ای تحکیم می‌شود که می‌فرماید:

«و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیموندند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.» (قرآن کریم، ۳: ۱۰۵)

این دقیقاً همان کاری است که در حال حاضر انجام می‌دهیم! به همین دلیل نمی‌توانیم واجد شرایط زیر باشیم:

«شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر، که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید.» (قرآن کریم، ۳: ۱۱۰)

برای کاشتن بذر اختلاف، ایجاد کردن شکاف، تشدید کردن تفرقه و تشویق کردن به نفاق قطعاً باز داشتن از بدکاری وجود ندارد!

### پیامدهای وحدت اسلامی

هر چه مسلمانان به وحدت نزدیک‌تر می‌شوند، شانس ابرقدرت‌ها برای تسلط، ظلم و استثمار بر ما کمتر می‌شود. در آن صورت، روحیه ما بالا خواهد بود. رهایی مسلمانان و مستضعفان جهان محقق خواهد شد. پیروزی بر ابرقدرت‌ها تحقق‌پذیر خواهد بود. نظم اجتماعی جدید جهانی را می‌توان با اطمینان تبلیغ کرد. و اموری مانند عدالت، صلح و امنیت صرفاً در قالب قطعنامه مصوب محقق نخواهد شد، انشاءالله!

### اجتماع جهانی

#### اجتماع جهانی دانش

اسلام با دانش آغاز می‌شود، اسلام با دانش و دانش نیز در اسلام رشد می‌کند. حکمرانی اسلامی، حکمرانی دانش است.

«بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟» (قرآن کریم، ۳۹: ۹)

«عالم نباید دانش خود را پنهان کند و جاهل نیز جهل خود را.» (حدیث)

اسلام هدف خود را دستیابی به جامعه‌ای صد درصد باسواد قرار داده است. باسواد نه تنها به معنای توانایی خواندن، نوشتن و ادا کردن است، بلکه در معنای اندیشه‌زایی آن نیز می‌باشد. هنگامی که فردی از نظر اندیشه‌ورزی باسواد باشد، تغییرات رفتاری وی می‌تواند کارآمدتر رخ دهد. در یک جامعه اسلامی چنین فردی سواد کارکردی خواهد داشت.

بسیاری از مسائل ما ناشی از بی‌سوادی اندیشه‌ای و کارکردی است. بی‌سوادی و جهل به طور کلی، بک مسئله واقعی و همچنین یک مسئله نگرشی است.

علل نفاق در امت اسلامی را می‌توان به این دو دسته تقسیم کرد:

۱) مسائل واقعی

۲) مسائل نگرشی

مسائل واقعی با مطرح کردن حقایق رفع می‌شوند. اما مسائل نگرشی لزوماً با مطرح کردن حقایق حل نمی‌شوند. مسائل نگرشی تنها با تغییر نگرش رفع می‌شوند.

### اجتماعی جهانی شفیقت

«محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند.» (قرآن کریم، ۴۸: ۲۹)

به دلیل رفتار برخی از مسلمانان با دیگران، می‌توان تصور کرد که احتمالاً آنها با یکدیگر تندخو و سازش‌ناپذیر و با دشمنان خود شفیق و سازشکار باشند!

«مسلمان کسی است که دیگران از زبان و دستش در آزار نباشند.» (حدیث)

«و آنان که مردان و زنان با ایمان بی‌تقصیر و گناه را بیازارند (بترسند که) دانسته بار تهمت و گناه آشکار بزرگی را برداشته‌اند.» (قرآن کریم، ۳۳: ۵۸)

### اجتماع جهانی عمل

«هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدای عالم که مقتدر و حکیم است مشغولند. الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟ این عمل که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد. خدا آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.» (قرآن کریم، ۶: ۴-۱)

«اعمال بر اساس نیت قضاوت می‌شوند.» (حدیث)

نیت خوب به تنهایی کافی نیست. وقتی نیتی داریم، بایستی مهارت‌های لازم برای اجرای آن نیت را به دست آوریم تا آن را به اجرا درآوریم. نیت اتحاد مسلمانان بایستی با کسب مهارت‌های لازم و زمینه‌سازی برای آن وحدت دنبال شود.

«و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؟» (قرآن کریم، ۵۳: ۳۹)

هواخواهان یا میهن پرستان برج عاج نشین در اسلام جایی ندارند. مسلمان بودن به این معناست که هرگز چنان مشغله نداشته و خسته نباشید که برای خدمت به اسلام بی‌علاقه باشید. خدمت به آرمان وحدت، خدمت به آرمان اسلام است.

### اجتماع جهانی عدالت

«ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا غنی، خدا به (رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبدا عدالت نگاه ندارید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود) بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید آگاه است.» (قرآن کریم، ۴: ۱۳۵)

- خواسته‌ها و منافع شخصی فرد نباید بر وظایف ترجیح داده شود.

### اجتماعی جهانی ایثار

«پس کسانی باید در راه خدا جهاد کنند که (دست از جان شسته‌اند و) زندگی این جهان را به آن جهان می‌فروشند. و هر کس در راه خدا جهاد کند و کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجری عظیم دهیم.» (قرآن کریم، ۴: ۷۴)

«بگو: همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است.» (قرآن کریم، ۶: ۱۶۲)

**نیت خوب به تنهایی کافی نیست. وقتی نیتی داریم، بایستی مهارت‌های لازم برای اجرای آن نیت را به دست آوریم تا آن را به اجرا درآوریم**

**نیت اتحاد مسلمانان بایستی با کسب مهارت‌های لازم و زمینه‌سازی برای آن وحدت دنبال شود**

**مسلمان بودن به این معناست که هرگز چنان مشغله نداشته و خسته نباشید که برای خدمت به اسلام بی‌علاقه باشید. خدمت به آرمان وحدت، خدمت به آرمان اسلام است**

اکنون آنان که حاضرند مال و جان خود را در راه خدا فدا کنند، از فدا کردن امتیازات، مزیت‌ها و جایگاه خود دریغ نخواهند کرد. و چرا نباید این چیزها را فدای وحدت امت اسلامی کرد؟ هیچ عذر موجهی برای طفره رفتن از این پرسش وجود ندارد، همانطور که هیچ توجیهی برای تداوم نفاق وجود ندارد. چرا مسلمانان باید از کسانی که فقط به فکر منافع خود هستند بگریزند؟ و چه کسانی حاضرند موقعیت مسلمانان را صرفاً برای رسیدن به مناصب قدرت به خطر بیندازند؟

آیا برقراری روابط مشفقانه بین مسلمانان تا این حد دشوار است؟

### اجتماع جهانی تسهیم

«و هم بر دوستی او (یعنی خدا) به فقیر و طفل یتیم و اسیر طعام می‌دهند (و گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم.» (قرآن کریم، ۷۶: ۹-۸)

«شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید و محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید، و آنچه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است.» (قرآن کریم، ۳: ۹۲)

در اسلام دانش، مهارت، غذا، مال و حتی شادی‌ها و غم‌ها مشترک است. و البته بهترین نمونه همان مهاجران و انصار هستند. در این کشور ما آنقدر استطاعت داریم که بتوانیم با افراد کم اقبال، مستضعفان، استعمارشدگان و ستمدیدگان شریک شویم. و اگر متحد باشیم و منابع خود را از طریق یک سازمان مرکزی مدیریت کنیم، این امور می‌تواند به طور مؤثرتری انجام شود.

### اجتماع جهانی خود انضباطی

خود انضباطی به معنای مسئولیت‌پذیری و پاسخگو بودن است. خود انضباطی ما در پایبندیمان به قوانین غذایی، وضو، نماز، زکات، روزه و حج آشکار می‌شود. این خود انضباطی بایستی در روابط متقابل و همچنین روابط جمعی و ملی ما نیز گسترش یابد.

«خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند).» (قرآن کریم، ۱۳: ۱۱)

می‌توانیم به این هدف برسیم، اما:  
- باید بتوانیم بین درست و نادرست، خوب و بد تشخیص دهیم. باید بتوانیم به وظایف خود عمل کنیم؛  
- باید مایل به انجام مسئولیت‌های خود باشیم؛  
- اگر از وظایف و تکالیف پرهیز شود، همبستگی انسانی (و آشکارا همبستگی اسلامی) حاصل نمی‌شود؛

ایجاد نفاق و تداوم تشمت بین مسلمانان، ظلم به ایشان است. چنین اقدامی ظلم در حق ۴۰ میلیون جمعیت مظلوم در انگلستان است زیرا توده‌های ستمدیده در جستجوی وحدت، به مسلمانان به عنوان الگو نگاه می‌کنند.

### اجتماع جهانی فضیلت

«و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید).»  
(قرآن کریم، ۲: ۱۴۳)

«شما هرگز سستی نکنید و (از فوت متاع دنیا) اندوهناک نشوید، زیرا شما فیروزمندترین و بلندترین ملل دنیایید اگر در ایمان ثابت قدم باشید.»  
(قرآن کریم، ۳: ۱۳۹)

برای دستیابی به عملکرد عالی نیاز به دو ویژگی زیر است:

۱) شایستگی داشتن برای اقدام؛

۲) احراز حسن عمل.

کسانی که عامل تشمت، اختلاف، مشاجره و نزاع مذهبی و تفرقه در اجتماع اسلامی هستند، بدیهی است که شایسته اقدام نیستند. چنین افرادی خصوصاً برای اجرای وظیفه‌ی اتحاد اسلامی شایستگی ندارند.

حسن عمل را فقط با معیارهای قرآن می‌توان ارزیابی کرد. ارزیابی عملکرد عالی هم به همین نحو است.

### خالق یکتا است

«بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست. آن خدایی که (از همه عالم) بی‌نیاز (و همه عالم به او نیازمند) است. نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است. و نه هیچ کس مثل او مانند و همتای اوست.»  
(قرآن کریم، ۱۱۲: ۴-۱)

«خدای یکتاست که جز او خدایی نیست، زنده و پاینده است، هرگز او را کسالت خواب فرا نگیرد تا چه رسد که به خواب رود، اوست مالک آنچه در آسمانها و زمین است، که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او؟ علم او محیط است به آنچه پیش نظر خلق

آمده و آنچه سپس خواهد آمد و خلق به هیچ مرتبه از علم او احاطه نتوانند کرد مگر به آنچه او خواهد، قلمرو علمش از آسمانها و زمین فراتر، و نگهبانی زمین و آسمان بر او آسان و بی‌زحمت است، و او والا مرتبه و با عظمت است.»  
(قرآن کریم، ۲: ۲۵۵)

«اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست که دانای نهان و آشکار عالم است، اوست بخشنده و مهربان.»  
«اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آرایش، منزّه از هر عیب و ناشایست، ایمنی بخش دلهای هراسان، نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه خلقان، با جبروت و عظمت، بزرگوار و برتر (از حدّ فکرت)، زهی منزّه و پاک خدای یکتا که از هر چه بر او شریک پندارند منزّه و (از آنچه در وهم و خیال و عقل اندیشند) میر است.»  
«آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم.»  
(قرآن کریم، ۵۹: ۲۴-۲۲)

**کسانی که عامل تشمت، اختلاف، مشاجره و نزاع مذهبی و تفرقه در اجتماع اسلامی هستند، بدیهی است که شایسته اقدام نیستند. چنین افرادی خصوصاً برای اجرای وظیفه‌ی اتحاد اسلامی شایستگی ندارند**

### بنابر این آفرینش او یکتا است:

«و دو دریا یکسان نیستند: این یک، شیرین تشنگی‌زدا [و] نوشیدنش گواراست؛ و آن یک، شور تلخ‌مزه است؛ و از هر یک گوشتی تازه می‌خورید و زیوری که آن را بر خود می‌پوشید بیرون می‌آورید؛ و کشتی را در آن، موج‌شکاف می‌بینی تا از فضل او [روزی خود را] جستجو کنید، و امید که سپاس بگزارید.»  
(قرآن کریم، ۲۵: ۱۲)

### بشر بخشی از خلقت است، بنابراین انسان نیز یکتا است:

«ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.»  
(قرآن کریم، ۴۹: ۱۳)

### از آنجا که بشر یکتا است، شکل

**جهانی هدایت برای بشر نیز یگانه است:**  
«بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگوئید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.»  
(قرآن کریم، ۳: ۶۴)

«ای مردم، همانا این پیغمبر به حق (برای هدایت شما) از جانب پروردگارتان آمده، پس ایمان آرید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید پس (از این کفر به خود زیان رسانیده‌اید و خدا از کفرتان بی‌زیان و از اطاعت شما بی‌نیاز است، زیرا) هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و خدا (به احوال هر مؤمن و کافر) دانا و (در ثواب و عقاب آنان) درستکار است.»  
(قرآن کریم، ۴: ۱۷۰)

«ای مردم، برای هدایت شما از جانب خدا برهانی (محکم) آمد، و نوری تابان به شما فرستادیم.»  
(قرآن کریم، ۴: ۱۷۴)

«(و بدانید که) آنچه غیر از خدا می‌پرستید، جز اسمائی (بی‌حقیقت و الفاظی بی‌معنی) نیست که شما خود و پدرانانتان نامیده (و ساخته) اید، خدا هیچ حجتی بر آن نفرستاده، تنها حکمفرمای عالم وجود خداست، امر فرموده که جز آن ذات پاک یکتا کسی را نپرستید، این توحید آیین محکم است لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگه نیستند.»  
(قرآن کریم، ۱۲: ۴۰)

«(شما اهل ایمان با پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آیید و خدا



«مردم یک گروه بودند، خدا رسولان را فرستاد که (نیکوکاران را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند، و با آنها کتاب به راستی فرستاد تا در موارد نزاع مردم تنها دین خدا به عدالت حکمفرما باشد؛ و در کتاب حق، اختلاف و شبهه نیفکنند مگر همان گروه که بر آنان کتاب آسمانی آمد، برای تعدی به حقوق یکدیگر، پس خداوند به لطف خود اهل ایمان را از آن ظلمت شبهات و اختلافات به نور حق هدایت فرمود، و خدا هر که را خواهد راه راست بنماید.» (قرآن کریم، ۲: ۲۱۳)

«همانا دین (پسنیده) نزد خدا آیین اسلام است، و اهل کتاب راه اختلاف نپیمودند مگر پس از آگاهی به حقانیت آن، و این خلاف را از راه حسد در میان آوردند. و هر کس به آیات خدا کافر شود (بترسد که) محاسبه خدا زود خواهد بود. پس اگر با تو (برای مخالفت با دین حق، به باطل) احتجاج کنند، بگو: من و پیروانم خود را تسلیم امر خدا نموده‌ایم. و بگو با اهل کتاب و با ائیمان: آیا شما هم (چون حق پدیدار شود) تسلیم حق شده و ایمان آرید؟ و چنانچه ایمان آرند هدایت یافته‌اند و اگر (از حق) روی گردانند بر تو چیزی جز تبلیغ (دین خدا) نیست و خداوند به حال بندگان بیناست.» (قرآن کریم، ۳: ۲۰-۱۹)

«بگو: ای اهل کتاب، بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگوید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.» (قرآن کریم، ۳: ۶۴)

«ای مردم، همانا این پیغمبر به حق (برای هدایت شما) از جانب پروردگارتان آمده، پس ایمان آرید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید پس (از این کفر به خود زیان رسانیده‌اید و خدا از کفرتان بی‌زیان و از اطاعت شما بی‌نیاز است، زیرا) هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و خدا (به احوال هر

### وحدت مؤمنان

وحدت مؤمنان مبتنی بر مجموعه‌ای از اصول جاودانه است که به هیچ وجه نمی‌توان از آن عدول کرد. این اصول عبارتند از:

توحید - خداوند یکتا است، تمام خلقت او یکتا است و مجموعه‌ای از قوانین جهانی بر کل خلقت حاکم است.

نبوت - افرادی که به هدایت بشر فرستاده می‌شوند تا مجموعه قوانین جهانی حاکم بر اعمال اختیاری بشر را به آنها بیاموزند.

معاد - اگر خداوند در ابتدا انسان را آفرید، همان خالق انسان را از نو خلق خواهد کرد. و از آنجا که انسان مسئولیت شخصی دارد، هر فردی در قبال اعمال آگاهانه و اختیاری خود مسئول است.

**بشر دارای یک ماهیت انسانی مشترک - ولو صرفاً در معنای بالقوه آن - است؛ بشر به عنوان خلیفه الله (قرآن کریم، ۲: ۳۸-۳۰) آفریده شده است بنابراین هدایت خداوند خطاب به کل بشر است و اتهامات فرقه‌گرایی و بخشی‌گرایی دست کم پوچ است**

عدل - رسالت خاص تمامی انبیا برقراری نظام اجتماعی عادلانه مبتنی بر وحی بود. عدالت انسان نسبت به خود (یعنی صادق بودن نسبت به فطرت انسانی خود)؛ عدالت در حق ممنوعان خود و عدالت بر مابقی خلقت. این اصل در وجود نظام اجتماعی مؤمنان نقشی اساسی دارد.

امامت (رهبری) - این رهبری مبتنی بر شایسته‌سالاری است که به طور خاص در قرآن کریم ۲: ۱۲۴ و قرآن کریم ۴: ۵۹-۵۸ ذکر شده است. اگر این اصول زیر پا گذاشته شود، وحدت مؤمنان نه تنها به خطر می‌افتد، بلکه آسیب و گزند می‌بیند و از بین می‌رود. قرآن کریم با صراحت می‌فرماید:

ترس باشید و نماز به پا دارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید. از آنان که دین (فطرت) خود را متفرق و پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه دارند (از اوهام باطل و عقیده و خیالات فاسد خود) دلشادند.» (قرآن کریم، ۳۰: ۳۲-۳۱)

«خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین مکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.» (قرآن کریم، ۴۲: ۱۳)

«این رسول به آنچه خدا بر او نازل کرده ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند (و گفتند) ما میان هیچ یک از پیغمبران خدا فرق نگذاریم، و (همه یک زبان و یک دل) اظهار کردند که ما (فرمان خدا را) شنیده و اطاعت کردیم، پروردگارا، ما آمرزش تو را خواهیم و (می‌دانیم) بازگشت همه به سوی توست.» (قرآن کریم، ۲: ۲۸۵)

پس آشکار می‌شود که خداوند خالق هر چیزی در آسمانها و زمین است. خداوند خالق بشر است - و قرآن کریم در سوره نساء می‌فرماید که خداوند انسان را از «نفس واحده» (قرآن کریم، ۴: ۱) آفریده است. بنابراین بشر یک خالق واحد و همچنین نیای مشترک دارد.

بشر همچنین دارای یک ماهیت انسانی مشترک - ولو صرفاً در معنای بالقوه آن - است. بشر به عنوان خلیفه الله (قرآن کریم، ۲: ۳۸-۳۰) آفریده شده است. بنابراین هدایت خداوند خطاب به کل بشر است. بنابراین اتهامات فرقه‌گرایی و بخشی‌گرایی دست کم پوچ است.

مؤمن و کافر) دانا و (در ثواب و عقاب آنان) درستکار است.»  
(قرآن کریم، ۴: ۱۷۰)

«ای مردم، برای هدایت شما از جانب خدا برهانی (محکم) آمد، و نوری تابان به شما فرستادیم. پس آنان که به خدا گرویدند و به او متوسل شدند به زودی آنها را به جایگاه رحمت و فضل خود در آورده و به راهی راست به سوی خود رهبری نماید.»  
(قرآن کریم، ۴: ۱۷۵-۱۷۴)

«ای اهل ایمان) از آنچه از خدایتان به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید و پیرو دستورهای غیر او نباشید و جز خدا را به دوستی مگیرید. اما اندکی بدین پند متذکر می گردید.»  
(قرآن کریم، ۷: ۳)

«... تنها حکمفرمای عالم وجود خداست، امر فرموده که جز آن ذات پاک یکتا کسی را نپرستید، این توحید آیین محکم است لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگه نیستند...»  
(قرآن کریم، ۱۲: ۴۰)

«و ما این کتاب را بر تو فرستادیم مگر برای این که حقیقت را در آنچه (از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره) مردم اختلاف می کنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشی.»  
(قرآن کریم، ۱۶: ۶۴)

«ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.»  
(قرآن کریم، ۴۹: ۱۳)

ویژگی های کسانی که به وحدت می رسند  
«ای اهل ایمان، از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام. و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با

هم دشمن بودید، خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد.»

«بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می کند، باشد که هدایت شوید. و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که) واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود.»

«و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.»  
(قرآن کریم، ۳: ۱۰۵-۱۰۲)

«شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته اید (برای اصلاح بشر، که مردم را) به نیکوکاری امر می کنید و از بدکاری باز می دارید و ایمان به خدا دارید...»  
(قرآن کریم، ۳: ۱۱۰)

«ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید.»  
(قرآن کریم، ۳: ۲۰۰)

«هر که سبب کار نیکویی شود هم او نصیبی کامل از آن برد، و هر که وسیله کار قبیحی گردد از آن سهمی بسزا خواهد یافت، و خدا بر همه چیز (از نیک و بد اعمال خلق) مراقبی تواناست.»  
(قرآن کریم، ۴: ۸۵)

«آنان که دین را پراکنده نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آنها ببوش) چنین کسان به کار تو نیابند، (و از دست آنها غمگین مباش که مجازات) کار آنها با خداست و بعد از این به آنچه می کردند آگاهشان می گرداند.»  
(قرآن کریم، ۶: ۱۵۹)

«ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بگیرید اگر که آنها کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما آنان را دوست گیرد چنین کسانی بی شک ستمکارند.»

«(ای رسول ما امت را) بگو که اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع آورده اید و مال التجاره ای که از کسادی آن بیمانید و منازلی را که به آن دل خوش داشته اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می دارید منتظر باشید تا خدا امر خود را جاری سازد (و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیاطلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زیانکار شوید) و خدا فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.»  
(قرآن کریم، ۹: ۲۴-۲۳)

«و چون با خدا (و رسول و بندگانش) عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار گردید مشکنید، چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته اید؛ همانا خدا به هر چه می کنید آگاه است.»

(در مثل) مانند زنی که رشته خود را پس از تابیدن محکم و تأیید نباشید، که عهد و قسم های استوار و محکم خود را برای «فریب یکدیگر و فسادکاری به کار برید برای آنکه قومی بر قوم دیگر تفوق دارند، زیرا خدا شما را به این عهد و قسمها می آزماید و در روز قیامت همه (تقلبها و) اختلافات شما را بر شما آشکار خواهد ساخت.»  
(قرآن کریم، ۱۶: ۹۲-۹۱)

امام احمد قسیم یکی از اعضای مؤسس گروه ضد آپارتاید قبه، عضو PAC، زندانی سیاسی سابق جزیره روبن و مشاور موسسه اسلامی حقوق بشر است. متن کامل این متن و سایر متون مرتبط با کتاب «جستجوی وحدت» با دسترسی رایگان در وب سایت موسسه اسلامی حقوق بشر قرار داده شده است. نسخه چاپی کتاب را هم می توانید از وب سایت کتابفروشی موسسه خریداری کنید.

# بازگشت به آینده: مروری بر نظرات اسلام، رهایی و برابری زنان

آرزو موالی آثار خود را جمع به حقوق زنان را بازنگری می کند و این پرسش را مطرح می کند که آیا جنبش های عدالت خواه، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، راه خود را گم کرده اند؟

روزگاری تصمیم گرفتم فمینیست بشوم. فکر کنم ۱۲ ساله بودم. من در شمال لندن، در یک خانواده ی کارگر سفیدپوست به دنیا آمدم و بزرگ شدم. این موقعیت همراه با شرکت سه بار در سال در رویدادهای مرتبط با تاریخ و فرهنگ جنوب آسیا و حضور در کلاس های هفتگی «اسلامی» شنبه ها، مرا متقاعد کرد که شرایط زنان چندان مناسب نیست و بایستی اقدامی صورت پذیرد. سفری که در آن زمان آغاز کردم و اکنون نیز ادامه می دهد، به نظرم یکی از مسیرهای بی نقص حل مسئله ی فمینیسم است. مسئله ی دهه ۱۹۸۰، خصوصاً در شمال لندن / شمال اروپا و شمال به زبان ساده (به اختصار) این بود که چگونه از عینیت بخشیدن به زنان، جنسی شدن وجود ما آنگونه که مردان تعریف می کنند و نگاه مردانه به فرهنگ، وضع شده در قانون و جذب شده در تمامی حوزه های سازمان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه رهایی یابیم.

این راه جواب داد. آزادی. با این حال، فقط پس از کمتر از ۲۰۰ کلمه از این مقاله، می توانم صراحتاً صداها را بشنوم؛ صداهایی از مردان، زنان، سکولاریست ها و مسلمانان که می گویند: «تو نمی توانی چنین ادعایی داشته باشی!» بسیار خوب، باید با جدیت تمام پاسخ دهم: «چرا که نه؟» چرا راه حل اسلامی برای مشکلات فوری یک فرد و شاید یک جامعه قابل اظهار نباشد. اگر نمی خواهید، موافق نباشید، اما چرا ادعای آزادی کسی را انکار می کنید، اگر آزادی آن چیزی است که ما ادعا می کنیم مهم ترین خیر جوامعی است

که (می خواهیم) در آن زندگی کنیم؟ ما در ذهنیت های شمالی خود زندگی می کنیم و هنوز هم داریم در عصر لیبرالیسم رو به رشد زندگی می کنیم، که در آن آزادی (بیش از عدالت) هدف جنبش های ملی و جنسی است که شما نام می برید و ما آرزو می کنیم. وقتی نوبت به تعریف یا حتی مطرح کردن امکان راهی می رسد که می تواند به حل عادلانه مسائل اجتماعی منجر شود، معلوم می شود که آزادی عملاً کاربردی ندارد. بازار ایده هایی که بسیار مورد تحسین قرار گرفته اند به روی مسلمانان عملگرآ گشوده نیست. و در چنین سپهری، زنان مسلمانانی چون من نباید فمینیست تلقی شوند.

جایی در طول سفری که در بالا توضیح دادم (و متعاقباً) در مورد جنبه های مختلفی از آنچه در زمان های مختلف به عنوان گفتگوهای درباره جنسیت، جنسی گری، فمینیسم، فمینیسم اسلامی، حقوق بشر و زبان کرامت در نظر گرفته شده است، نوشته ام. یکی از آن مقاله ها، «صداها ی دیگر در باغ: چرا زنان مسلمان حقوق بشر ندارند»، در زمانی نوشته شد که دخترم را باردار بودم و اکنون، بیست سال بعد دوباره مطالعه اش کردم. مقالات دیگر مخاطبان مجزایی داشته اند: مواجهه بیرونی با مخاطبان متخصص و دوستانه ی لیبرال / فمینیست / مترقی. مواجهه با مسلمانان به طور کلی؛ صداها ی «مترقی» و «انتقادی» به ویژه مسلمانان و غیره. با این حال، مقاله ی «صداها ی دیگر» که در جوانی و مملو از هورمون های خشم حاصل از بارداری نوشته شده، یکی از مواردی است که می خواهم

دوباره به آن نظر افکنم. این مقاله (با ساده لوحی جوانی) با مخاطبان مختلف صحبت می کند و ادعای اصلی آن این است که زنان مسلمان نمی توانند صرفاً بدون هیچ دلیل دیگری جز اینکه خود گفتمان حقوق بشر آنها را حذف می کنند، از چنین حقوقی برخوردار نباشند. این محافظه کاری یا سنت گرایی یا ذات گرایی اسلامی نیست که زنان (مسلمان) را از بهره مندی آزادانه و بدون محدودیت از زندگی خوب باز می دارد، بلکه ناسازگاری حقوق بشر (خواه قانون، معاهده، سیاست یا هنجار عقل سلیم جاری آن) نسبت به مفهومی است که وجود و عملکرد عاملیت و انسانیت کامل را به مسلمانان به طور کلی و به خصوص زنان مسلمان (و دیگر زنان غیراروپایی) نشان می دهد.

زمانی که صحبت از موضوع زنان به میان می آید، جهان شمول بودن در واقع بسیار کوتاه نظرانه است. این همان چیزی بود که آن زمان بحث کردم. امیدوار بودم زمانی که دخترم یک زن جوان شود، از بن بست روایت «آیا مسلمانان می توانند / آیا اسلام می تواند مدرن باشد / روشنگر باشد / با حقوق بشر سازگار باشد» عبور کنیم. با این حال، با وجود انواع جنبش ها در این مدت - نقد نژادپرستی، فمینیسم اسلامی و پسااستعماری، جنبش های نوظهور استعمارزدایی در نظریه و عمل - به نظر می رسد هنوز در این مرز گیر کرده ایم. تا جایی که این بن بست - مسلمانان در مقابل غیر مسلمانان غربی / شمالی - ظاهری باشد چنین بن بست نسبت به قبل، از اهمیت کمتری برخوردار است. غرب / شمال در حال



افول است و در چرخه‌های ناامیدانه و دائمی سببیت و خشونت (افغانستان، عراق و حتی اوکراین) برای چسبیدن به بقایای امپراتوری (های) خود می‌گردد. با این حال، درونی‌سازی‌های ما از این بحث، چیزی پیشرفته‌تر، مهندسی شده و کامل‌تر از دو، سه، چهار یا پنج دهه پیش است. و بنابراین، به دنبال آنم که دریابم چه اشتباهی رخ داده است، کجا خطا کردیم و کجا می‌توانیم به جمع‌بندی مجدد برسیم.

### ۲۳ سال پیش و همچنان

بنابراین، ابتدا در یک سخنرانی در دانشگاه لستر و سپس در مقاله «صداهای دیگر» با افتخار اعلام کردم:

«اما این مشاجره واقعاً به چه معناست؟ برای توضیح این موضوع سه دیدگاه وجود دارد. اول، نگاه غرب به اسلام به عنوان یک تمدن در مقابل تمدن غرب موضوعیت دارد. با این رویکرد می‌توان پیشرفت زنان را بر اساس معیارهای غربی، با اشاره به هانتینگتون و پیشرفت زنان به سمت برابری، اندازه‌گیری کرد. دیدگاه دوم، نگاه غربی به اسلام به عنوان یک فرهنگ در قرن بیستم در مقابل فرهنگ غربی، سرمایه‌داری و لیبرال است. این شامل دسته‌بندی مسلمانان سیاسی و سکولار است. در این رویکرد می‌توان به ناهنجاری‌های ادبی و آمار سازمان ملل و همچنین آمار گفتمان حقوق بشر نگاه کرد. دیدگاه سوم مستلزم تفکر و تفسیر انتقادی چالش مقایسه حقوق بشر در مقابل اسلام به عنوان گفتمان‌های اخلاقی است. برای این منظور باید به پیدایش تفکر انتقادی در غرب نگاه کنیم و مفروضات اساسی آن را زیر سوال ببریم - [در دیدگاه غربی، زن] چقدر آزاد است؟ - چقدر برابر است؟ ما همچنین باید به تاریخ و وضعیت معاصر خود نیز از دریچه انتقادی بنگریم - آیا تا به حال چیزی شبیه به یک جامعه قرآنی ایجاد کرده‌ایم؟»

پس حالا از این سه روش مشاهده (با احترام به جان برگر، که تحلیل او از راه‌های مشاهده با افزایش سن برای من اهمیت بیشتری پیدا کرد) چه چیزی حاصل می‌شود؟ بسیار خوب، نگاه تمدنی هانتینگتون و همکاران ظاهر شده و سقوط کرده است و شاید از نو، اما با تأکیدات متفاوتی ظهور کند. ساموئل هانتینگتون استدلال می‌کند که غرب و

ارزش‌های آن (که حقوق بشر و مسیحیت قله اختراعات سکولار، دینی و منتج به لیبرالیسم / لیبرال دموکراسی بودند) جهانی نیستند، بلکه منحصر به فرد هستند - هیچ فرد دیگری خارج از جهان غرب (بخوانید سفید، اروپای غربی به عنوان آمریکایی‌ها و ناگزیر، متجاوزان استرالیا و سفیدپوستان آفریقای جنوبی) نمی‌تواند تا این سطح از قله بشریت ارتقاء یابد. هانتینگتون استدلال می‌کند که ممکن است آنها از غرب «تقلید» کنند، اما چنین فعلی هرگز واقعی و حقیقی نخواهد بود.

**ساموئل هانتینگتون استدلال می‌کند که غرب و ارزش‌های آن عام نیستند، بلکه منحصر به فرد هستند - هیچ فرد دیگری خارج از جهان غرب (بخوانید سفید، اروپای غربی به عنوان آمریکایی‌ها و ناگزیر، متجاوزان استرالیا و سفیدپوستان آفریقای جنوبی) نمی‌تواند تا این سطح از قله بشریت ارتقاء یابد**

**هانتینگتون استدلال می‌کند که ممکن است آنها از غرب «تقلید» کنند، اما چنین فعلی هرگز واقعی و حقیقی نخواهد بود**

در سطح ماورا، پاسخ‌هایی از سوی انواع جنبش‌ها وجود داشت، اما به‌ویژه دو جنبش به یک جایگزین اسلامی کمک کردند: جنبش «اصلاح‌طلبی» رئیس‌جمهور خاتمی در ایران و جنبش سیاسی رو به رشد اسلامی که با پیروزی حزب عدالت و توسعه، حزبی در ترکیه تحت رهبری رجب طیب اردوغان به اوج خود رسید. خلاصه اینکه همین است که هست، حق با شماست و ما حق داریم متفاوت باشیم. ما راه‌های مشاهده کردن و بودن شما را نداریم و بایستی به حال خود رها شویم. بالطبع، صرف نظر از اقدامات هر دو طرف، این دیدگاهی ساده‌نگرانه است؛ از جمله مصاحبه اکنون مفتضح خاتمی با کریستین آمپور در شبکه سی.ان.ان.

(پدران زائر را هرکسی می‌شناسد؟) در سال ۱۹۹۹، که به واقع تلاش برای تشکیل توافق مشترک بین جنبه‌هایی از تمدن غرب و تمدن اسلامی در گذشته و حال بود.

و حالا؟ گسست ناگهانی کامل در ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد که نگاه سیاسی اسلام را به جنبه مسلمان - مسلمان خارجی بدون درگیری ترکیه، امکان فضاهای جایگزین (نه لزوماً تمدن‌ها) را باز کرد که غرب را چیزی می‌دانست که باید با آن برخورد کرد، نه اینکه تمرکز اصلی را بر توسعه هنجارهای اجتماعی، پیشرفت و توسعه گذاشت. مسلمانان و «دیگران» درون ذهنیت هانتینگتون، نیازی به تأیید یا هدایت غرب در حال آشوب و افول نداشتند. هانتینگتون و امثال او نامربوط می‌گفتند.

آن روزها روزهای آرامش بود. سپس اتفاقات سوریه رخ داد. من و بسیاری از افراد دیگر در جای دیگری در مورد این موضوع نوشته‌ایم و شدیداً با آن مخالفت کرده‌ایم. در اینجا کافی است بگویم که به دلیل این جنگ غرب دوباره آغاز تلاش کرد نشان دهد عقایدش چنان عمیقاً در روح مسلمانان / دیگران جا افتاده است که آماده بودیم یکدیگر را بدون دلیل مگر به سود استعمارگران قدیمی، پایگاه‌های ساکنان آنها و مهمتر از همه ایالات متحده نابود کنیم.

هر یک اینها برای زنان (مسلمان) چه معنایی داشت؟ در گفتمان تمدنی هانتینگتون، زنان مسلمان، به‌عنوان بخشی از جایگزین «دست از سر ما بردارید»، مسلماً فضایی داشتند که در آن می‌توانستند بقا یابند، حمایت کنند و با شرایط خودشان مشارکت کنند. و این اصطلاحات شامل تصورات اسلامی از خیر برای زنان، برای کودکان، برای خانواده و برای کل جامعه بود. به جرأت می‌توانم بگویم، آن فضا می‌توانست زمینه‌ای را برای تغییر در سراسر امت ایجاد کند. این کمترین چیزی است که می‌توانست و می‌بایست تا حدی اتفاق می‌افتاد. شما می‌توانید بقایای آن را در جهان امروز ببینید. در سال ۱۹۹۹، مروه کاواکچی، عضو تازه منتخب حزب فضیلت (نام قبلی حزب عدالت و توسعه) در حالی که بر صندلی خود در پارلمان نشست، توسط دیگر سیاستمداران هو شد. چرا؟

۱۹۷۰ خود «راه‌های مشاهده» به تفصیل پرداخته است، هنوز از بین نرفته است. هنر، ادبیات، فرهنگ عامه، همگی زنان را به عنوان سوژه‌های جنسی شده به تصویر می‌کشند که باید توسط یک مصرف‌کننده - بیننده مرد مصرف شود. مهم نیست که در بازار واقعی زنان نیز مصرف‌کننده هستند، بلکه در حوزه فرهنگی نیز بیننده هستند. هر دوی این فعالیت‌ها برای آنها منفعل باقی می‌ماند، آنها (در صنایع تهاجمی مد و لوازم آرایشی دیروز و امروز، فرهنگ سلفی و جراحی در حال حاضر و آینده قابل پیش‌بینی) تحت انقیاد درمی‌آیند. حکیمه سقای پیریا، در شماره دیگری از این مجله، به چگونگی حاکمیت جنسیت و جنس‌شدگی زنان در امروز می‌پردازد. در حالی که خانم‌های اول ایالات متحده ممکن است اعلام کنند که جنگ‌ها برای آزادی زنان مسلمان انجام شده است، در واقع این بازار نگاه مردانه است که با ارتش و یا اقتصاد ایالات متحده وارد می‌شود. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (و همراه با آن، امید به زندگی به طور کلی و حمایت و فرصت‌ها برای زنان به طور خاص)، ژرمین گریر خاطر نشان می‌کند که قبل از اینکه یک زن در شوروی بتواند یک موز را در فروشگاه مواد غذایی ببیند، قادر بود رژ لب‌های [مارک] دیور را پیدا کند. [۱] بدتر از آن، گریر سفر خود را به عنوان فمینیست پیشرو - یا شاید زنان آزادی خواه اصطلاح بهتری باشد - برای یافتن «زن کامل» ترسیم می‌کند.

من در کتاب خواجه زن استدلال کردم که هر کودک دختر به عنوان یک زن کامل تصور می‌شود و از زمان تولد تا مرگ به تدریج ناتوان می‌شود. وظیفه یک زن در قبال خود این است که از این روند جان سالم به در ببرد، آن را بشناسد و سپس اقداماتی را برای دفاع از خود در برابر آن انجام دهد. سال‌ها پس از آن... در زمین سفر کردم تا بینم آیا می‌توانم نگاهی اجمالی به یک زن زنده‌مانده داشته باشم. چنین زنی، کسی خواهد بود که برای تجسم تخیلات جنسی مردانه وجود نداشته باشد یا نیاز نداشته باشد برای دریافت هویت و موقعیت اجتماعی به مردی تکیه کند. من به زنان در جوامع جدا شده نگاه کردم و آنها را از بسیاری جهات قوی‌تر از زنانی دیدم که بدون مرد وارد تئاتر یا رستوران نمی‌شوند.

مشروعیت‌زدایی و حتی جرم‌انگاری می‌شوند.

### راه‌های مشاهده‌ی رهایی

لیلا ابولقود در مقاله اندیشه‌آفرین خود، «آیا زنان مسلمان به پس‌انداز نیاز دارند؟» این موضوع را به طور کامل توضیح می‌دهد. طالبان (که در زمان نگارش مقاله، اولین دوره آن بود) بدون در نظر گرفتن آنچه که زنان مسلمانی که (الف) (خوشحالانه) برقع می‌پوشیدند، (ب) از طالبان حمایت می‌کردند، معتقد بودند و احساس می‌کردند، مشابه آنچه که طالبان متهم به این کار شدند به سادگی از آنها سلب اختیار کردند.

**در زمین سفر کردم تا بینم آیا می‌توانم نگاهی اجمالی به یک زن زنده‌مانده داشته باشم**

**چنین زنی، کسی خواهد بود که برای تجسم تخیلات جنسی مردانه وجود نداشته باشد یا نیاز نداشته باشد برای دریافت هویت و موقعیت اجتماعی به مردی تکیه کند**

اگر همانطور که بسیاری از مطالعات قوم‌نگاری و مردم‌شناسی نشان داده‌اند، بسیاری از زنان برقع (همان‌طور که در لوغد نقل شده است) را به کار می‌گیرند تا در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند و اغلب مورد آزار جنسی قرار می‌گرفتند، حرکت کنند، تا جایی که این به نظر خودشان راهی برای رهایی فوری بود. برای چنین زنانی، چگونه می‌توان چنین وضعیتی را نادیده گرفت یا تخفیف داد. بله، می‌توان استدلال کرد که بار شکستن تجاوز جنسی در جامعه گسترده‌تر نباید بر دوش زنان باشد. با این حال، انتظار از مردانی که به طور موثر رویکرد خود را تغییر دهند، گزینه جذابی نیست.

آن «نگاه مردانه» که توسط لورا مولوی توضیح داده شد، اما جان برگر در مجموعه تلویزیونی و کتاب دهه

چون حجاب داشت. واکنش‌ها آنقدر شدید بود که او از مجلس اخراج شد و از تحلیف او جلوگیری شد. قدرتشان بیش باد. افتخار ما است.

اما این ما را به جنبه دوم می‌برد که در آن همه چیز اشتباه پیش رفته است و جایی است که حتی موفقیت‌هایمان، موجب شکست می‌شوند.

### باز نمایی بیشتر، نظام مشابه

همیشه وقتی سخن از فمینیسم است، یک شرط خروج پوزیتیویستی وجود دارد که در آن شاخص‌هایی از برابری [حقوق زنان] گنجانده شده است (سازمان ملل کنفرانس‌های بی‌پایانی برای تنظیم کردن آن داشته است، ضمیمه‌های «صداهاى دیگر» به ادبیات کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ نظر انداخته است) - اینها را رعایت کنید تا شما را در باشگاه مترقی‌ها بپذیریم. با این تفاوت که هرگز به این سادگی نیست. اگر چنین بود، پس از کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵ تا امروز فهرست دیپلماتیک در سراسر جهان، بسیاری از کشورهای جهان را شامل می‌شد. پوزیتیویسم آنطور که ادعا می‌شود علمی یا عینی نیست. موضوع واقعا هرگز صرفا بازی با اعداد نبوده است. اگر چنین بود، در پکن، هیأت ایرانی بی‌نهایت دچار دردسر نمی‌شدند و خودشان این قدر متحیر نمی‌شدند که چرا مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. در زمینه‌ی ارائه مراقبت‌های بهداشتی برای زنان، تعداد زنان دارای تحصیلات و مشغول به تحصیل در دانشگاه‌ها، به عنوان رئیس دانشگاه‌ها و غیره، حتی در مسائلی مانند حقوق زایمان، آنها از ایالات متحده و بریتانیا جلوتر بودند. این شاخص‌ها از آن زمان در ایران بهبود یافته‌اند و با این حال ما بارها و بارها این فریاد را می‌شنویم که ایران زنان را سرکوب می‌کند - و یکی از بدترین ستمگران نسبت به زنان در سراسر جهان است. این روایت در بهترین حالت بدبینانه و در بدترین حالت عمیقا ایدئولوژیک است و این ایدئولوژی به وضوح زنان را چیزی می‌بیند که بایستی ابزار و نه رها شود.

وجود زنان مسلمان با حجاب بیشتر یا هر نوع زن مسلمان در جایگاه‌های قدرت و برجسته در جهانی که هر تلاشی برای تغییر آن به گونه‌ای که با برداشت‌های سیاسی محدود همخوانی نداشته باشد کافی نیست. خوبی‌ها اهریمن‌نمایی،

من بی حد و حصر بودن کار زنان را از کارگران، زنان گدا و زنان قبيله آموختم. من از زنانی که دچار انحراف شده بودند راجع به لذت جنسی آموختم...

«به محض اینکه چشمم به زن کامل افتاد، بازاربایی غربی با انجیل عظیمی از جلوه‌های دیدنی و شگفت‌انگیزش به زن حمله کرد، انجیل بسیار اغواکننده، نجات را در فریاد می‌زد... زنان قوی من، پاهای عضلانی خود را در کفش‌های پاشنه بلند فرو می‌کردند و یاد می‌گرفتند چگونه لوندی کنند و به جای شیر مادر از شیر خشک‌های تجاری ساخته شده با آب کثیف به فرزندان‌شان تغذیه دهند. آنها پس‌انداز مالی اندک خود را صرف رژ لب و لاک ناخن می‌کردند و مدرن ساخته شده بودند. حتی زنان سخت‌کوش چین شروع به فر کردن موه‌های خود کردند تا ثابت کنند که آنها نیز زنان واقعی (یعنی جعلی) هستند. در حالی که فمینیست‌های غربی شجاعانه برای یافتن کلید موفقیت تلاش می‌کردند، کلیشه‌ی زنانگی، تسخیر جهان را تکمیل می‌کرد.»

به سختی می‌توان دریافت که چگونه هیچ یک از اینها اکنون عملی نیست. در حال حاضر، عمل محقق شده آنقدر گسترده است که جز در محیط‌های اقلیت، جرأت نمی‌کنیم بگوییم شاید جایگزینی اسلامی وجود داشته باشد. ما حتی جرأت نمی‌کنیم، همانطور که ابولقود می‌گوید شاید بهتر باشد بینیم که چرا بعد از انقلاب اسلامی در ایران «افزایش چشمگیر سواد، کاهش زاد و ولد، حضور زنان در مشاغل و دولت، شکوفایی فمینیستی در زمینه‌هایی مانند نویسندگی و فیلمسازی و...» رخ داده است؟ آیا می‌توانیم به صراحت بگوییم می‌تواند حاصل حجاب اجباری باشد؟ بله، بیانش کردم.

این به این معنا نیست که ما دیگر حتی جرأت گفتن آن را نداریم، بلکه معتقدیم که نباید چنین توانی را باور کنیم. زیرا این امر شامل تعیین پوشش است، گویی به نظر می‌رسد در همه جا پوشش تعیین شده وجود دارد، منتها به شکل‌های مختلف، اما معمولاً با تفاوت مرد/زن. در جای دیگر، من از فمینیست‌هایی که به‌ویژه از دیدگاه و گوناگونی پسااستعماری می‌آمدند، خواسته‌ام بپذیرند که هم می‌تواند یک دیدگاه جهانی زن مسلمان در مورد خیر برای زنان و جامعه وجود داشته باشد و هم راهی

وجود داشته باشد که چنین دیدگاه‌هایی بتواند در انبوهی از ایده‌ها و توسعه خیر بزرگتر به وجود بیاید. یکی از این ایده‌ها می‌تواند آن چیزی باشد که ما آن را حقوق بشر در معنای کمتر از صد سال اخیر توسعه این اصطلاح می‌دانیم. همچنین می‌تواند به همان اندازه، درک ۱۴۰۰ ساله از کرامت، حقوق، انصاف و عدالت باشد که مسلمانان (زنان و مردان هر دو و عامدانه) در آرزوی آن هستند و بر سر آن بحث می‌کنند. مهمتر از همه، من حق دارم دومین گزینه را انتخاب کنم و معتقدم که بهترین انتخاب است. اکنون ممکن است بتوانیم در مورد زنان، حقوق و عدالت گفتگو کنیم.

**استعمار زدایی از تفکر و جدا کردن آن با ایده‌های مربوط به «پیشرفت» زنان در غرب کافی نیست؛ داشتن جایگزین‌هایی که به هیچ یک از موارد فوق متکی نباشد نیز کافی نیست، بلکه آغازی (مجدد) است**

در حقیقت، معتقد نیستم که اجبار زنان به پوشیدن نوعی حجاب درمان بیماری‌های دنیای غرب زده‌ای است که همه‌ی ما کم و بیش در آن زندگی می‌کنیم. همچنین معتقد نیستم که زنان چه مسلمان باشند چه نباشند، تصمیم به پوشیدن لباس بیشتر، لباس‌های عقیفانه‌تر یا آنچه که ما به عنوان حجاب می‌خوانیم، درمان همه چیز است (علاوه بر این، فکر نمی‌کنم که این حتی یک هدف اولیه و در خود حجاب باشد). رفع نابرابری و بی‌عدالتی جنسیتی که در جهان امروز با آن روبرو هستیم نیازمند انقلاب‌های بسیار بیشتری است: در مورد اینکه مردان چگونه فکر می‌کنند. چگونگی درک زنان از فرآیندهایی که کار آنها را به عنوان هنجارهای جوامعی که مدعی ارزش برابری جنسیتی هستند، درک می‌کنند. به منظور رسیدن به جهانی که بتوانیم از ظلم و ستم «کلیشه‌زانه» (که در برخی نقاط جهان به نمایش گذاشته می‌شود، در سایر نقاط جهان با لباس‌های «عقیفانه»

به نمایش گذاشته شده است) عبور کنیم، استدلال می‌کنم که جوامع مسلمان حق دارند هنجارهای لباس را به عنوان راهی برای رسیدن به آنجا، یا حتی به عنوان یک رویداد برای کمک به دستیابی به آن انجام دهند. در هر صورت، آنها حق دارند به این شکل تعیین کنند، زیرا، همانطور که می‌بینیم، دیگران همه این کار را انجام می‌دهند، فقط با این تفاوت که نیات خوبی ندارند. صرفاً به این دلیل که آن را مشابه جاهای دیگر تفسیح می‌کنیم، به این معنا نیست که ظلم اجباری بودن پوشش غربی - طبق قانون و فرهنگ - وجود ندارد.

در سال ۱۹۹۹، جمعیتی مسلمان را به چالش کشیدم تا یک لحظه از بحث درباره اینکه چقدر جامعه غربی شده واقعاً ظالم است و در واقع چقدر در احترام به حقوق زنان ضعیف است، دور شوند (علاوه بر تأثیر نگاه مردانه، باید به اثرات قانون مالکیت زنان متأهل سال ۱۸۸۸ در انگلستان نیز توجه کنیم که به زنان اجازه می‌دهد در انگلستان دارای داشته باشند؛ حتی که در آغاز مبعث پیامبر اسلام نیز به زنان داده شده بود). تا چه حد موفق شده‌ایم به واقعیت پیوستن به یک جامعه قرآنی، که ادعا می‌کنیم که آن نماد بیشترین آزادی است، در این زمینه واقعاً پیشرفت کنیم؟ نمی‌تواند درست باشد که دهه‌ها بعد، حتی پرسیدن این سوال نه فقط برای آنها که با قرآن مخالفت می‌کنند، بلکه برای آنها که به آن ایمان دارند نیز تفرآمیز باشد.

افزودن زنان (مسلمان) به قصه و درآمیختن آنها با حیات اجتماعی کافی نیست. استعمارزدایی از تفکر ما و جدا کردن آن با ایده‌های مربوط به «پیشرفت» زنان در غرب کافی نیست. داشتن جایگزین‌هایی که به هیچ یک از موارد فوق متکی نباشد نیز کافی نیست، بلکه آغازی (مجدد) است. آغازی مجدد در این مسیر نه فقط برای مسلمانان و زنان مسلمان، بلکه برای تمامی افراد به حاشیه رانده شده سودمند است. اوه، و به هر حال، من فمینیست نیستم.

[۱] زن کامل، ژرمن گریر، ۱۹۹۹

*آرزو مرالی* نویسنده و محقق ساکن لندن، انگلستان است. او یکی از سردبیران مجله بلندنگری و بنیانگذار موسسه اسلامی حقوق بشر است. او را در توییتر @arzumerali دنبال کنید.





**Islamic  
Human Rights  
Commission**

[www.ihrc.org.uk](http://www.ihrc.org.uk)

**25 YEARS STANDING  
WITH THE OPPRESSED**



# QURBANI

**for the Oppressed**

1444AH - 2023



**IHRC Trust  
managed  
to distribute  
Qurbanis in  
hard to reach  
and neglected  
communities**

## NIGERIA

Members of the Islamic Movement have been routinely targeted. Close to 1500 have died or have been injured since 2015. **£70**

There is no dearer deed of Ibn Adam in the days of sacrifice than flowing the blood (doing Qurbani) and that animal will come with its horns, hairs, and hooves on the day of Judgement. The blood of the sacrifice reaches the stage of acceptance before it reaches the floor - Hadith

## BANGLADESH

More than 950,000 Rohingya refugees currently live in camps in southeastern Bangladesh. **£100**

COUNTRY	SMALL ANIMAL	LARGE ANIMAL	1/7 SHARE
Nigeria	£70	£490	£70
Bangladesh	£100	£700	£100
Yemen	£115	£805	£115

## YEMEN

Yemen is one of the world's largest humanitarian crises – and children are being robbed of their futures. **£115**

You can donate your Qurbani by visiting our website  
**<https://donations.ihrc.org.uk>**  
Or you can call in on **020 8904 4222**

Please place your orders by no later than **22<sup>nd</sup> June 2023**

**IHRC Trust, 202 Preston Road,  
Wembley, HA9 8PA, United Kingdom**

Charity No: 1106120

ISSN 2753-3980



The Long View is a project and publication of Islamic Human Rights Commission (a limited company no 04716690).

Web [www.ihrc.org.uk](http://www.ihrc.org.uk)  
E [info@ihrc.org](mailto:info@ihrc.org)  
Tel +44 20 8904 4222

All views are the authors' own and do not reflect IHRC's views or beliefs.



9 772753 398000